



Explanation and Analysis of Anthropological Foundations and Epistemological Indicators of Gender Interpretations

In the Field of Women's Personal and Social Identity

Farzaneh Eslamian¹ | Mansour Pahlavan² | Majid Maaref³

1. Corresponding Author, PhD Student, Department of Qur'an and Hadith Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: fareslamian@ut.ac.ir

2. Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: pahlevan@ut.ac.ir

3. Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: maaref@ut.ac.ir

Abstract

The view of gender interpretations (male and female readings of the Quran) is related to the anthropological foundations of their interpreters about the nature of women. The different opinions in these interpretations are based on the differences in these foundations. This study uses the descriptive-analytical method to identify these foundations and their documents to represent women's individual and social identity. The results show that these two readings of the Quran have different understandings of the concepts of sexual and gender identity, equality and parallel rights, meritorious and egalitarian justice, and dutiful and rights-based interpretation. Masculinist readings, which prioritize gender identity over human identity, have made the superiority of men over women and discrimination on the basis of gender a natural thing and a divine gift that demands stability in the appearance of women in various spheres of human activity. Feminist readings, on the other hand, which emphasize gender justice and a historical view of the family system, view gender discrimination as a cultural problem and call for women's independence in entering the political and social spheres.

Keywords: Anthropological Foundations, Epistemological Indicators, Feminine Reading, Masculine Reading, Woman's Identity.

Cite this article: Eslamian, F., Pahlavan, M., & Maaref, M. (2024). Explanation and Analysis of Anthropological Foundations and Epistemological Indicators of Gender Interpretations: In the Field of Women's Personal and Social Identity. *Quranic Researches and Tradition*, 56 (2), 319-347. (in Persian)

Publisher: University of Tehran PressQ

© The Author(s).

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2023.346567.670053>



Article Type: Research Paper

Received: 28-Aug-2022

Received in revised form: 31-Dec-2022

Accepted: 2-Jul-2023

Published online: 18-Mar-2024



تبیین و تحلیل مبانی انسان‌شناسی و شاخص‌های معرفتی تفاسیر جنسیتی

در حوزه هویت فردی و اجتماعی زن

فرزانه اسلامیان^۱ | منصور پهلوان^۲ | مجید معارف^۳

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکترا، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: fareslamian@ut.ac.ir
۲. استاد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: pahlevan@ut.ac.ir
۳. استاد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: maaref@ut.ac.ir

چکیده

دیدگاه تفاسیر جنسیتی (قراآت‌های مردگرایانه و زن‌گرایانه از قرآن) به شدت به مبانی انسان‌شناسی مفسران آن‌ها در رابطه با طبیعت زن متکی است و اختلاف آراء در این تفاسیر به تفاوت در این مبانی برمی‌گردد. پژوهش حاضر با روشی توصیفی - تحلیلی درصدد است دریابد، مهمترین این مبانی چیست و تصویری که از هویت فردی و اجتماعی زن ارائه می‌دهند بر چه مستنداتی استوار است. با تقریر این مبانی به دست آمد که این دو خوانش از قرآن، تلقی متمایزی از مفاهیم هویت جنسی و جنسیتی، تساوی حقوق و تشابه حقوق، عدالت استحقاقی و عدالت مساواتی، تکلیف محوری و حقوق محوری داشته، قراآت‌های مردگرایانه، با تقدم هویت جنسی بر هویت انسانی، برتری مردان بر زنان و تبعیض جنسیتی را امری طبیعی و موهبتی الهی جلوه داده، خواهان ایستایی ظهور زنان در عرصه‌های مختلف فعالیت‌های انسانی است. در مقابل، قراآت‌های زن‌گرایانه با تأکید بر عدالت جنسیتی و نگاه تاریخی به نظام خانواده، تبعیض جنسیتی را امری فرهنگی دانسته، خواهان استقلال زن در ورود به عرصه‌های کلان سیاسی و اجتماعی است.

کلیدواژه‌ها: شاخص‌های معرفتی، قراآت زن‌گرایانه، قراآت مردگرایانه، مبانی انسان‌شناسی، هویت زن.



استناد: اسلامیان، فرزانه، پهلوان، منصور، و معارف، مجید (۱۴۰۲). تبیین و تحلیل مبانی انسان‌شناسی و شاخص‌های معرفتی تفاسیر جنسیتی: در حوزه هویت فردی و اجتماعی زن. پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۵۶ (۲)، ۳۱۹-۳۴۷.

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۶

© نویسندگان

بازنگری: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰ DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2023.346567x670053>

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۱

انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸



مقدمه و طرح مسئله

امروزه با گسترش تحولات، آگاهی‌ها و ارتباطات اجتماعی، پاره‌ای از باورهای مستند به ادیان آسمانی، به‌ویژه دین اسلام و مطالب عنوان شده در مصادر و نصوص اصلی آن دچار چالش گردیده‌است و حدود چند دهه است که پاسخگویی به این چالش‌ها به خصوص درباره جایگاه زنان، ذهن اندیشمندان اسلامی را به خود مشغول داشته است. موضوع این پژوهش نیز یکی از مسائل مورد بحث و زنده در همین خصوص بوده که با حساسیت‌های زندگی روزمره در هم آمیخته است و به غیر از دغدغه علمی و فکری نگارنده آن، برخاسته از تجربه عینی و مشاهده مستقیم سوء برداشت‌ها و ابهام‌ها در زمینه جایگاه زنان در قرآن است؛ لذا درصدد است تا در جهت مبرا ساختن ساحت قرآن از برچسب نابرابری در حق زنان تا حدودی جایگاه واقعی زن در قرآن را به جامعه زنان پرسشگر و نقاد امروز، عرضه نماید. از طرفی، در جهان معاصر، پیشافهم متفکران غرب درباره زن در اسلام، در چارچوب نگرش مرد محوری است و گفتمان قدرت سیاسی مغرب زمین، برای توجیه و ریشه‌یابی عقب‌افتادگی جوامع اسلامی، از آن بهره می‌گیرد. در همین راستا با مراجعه به کتب تفسیری پیرامون آیات مربوط به زن با برداشت‌هایی متفاوت و گاه متناقض مواجه می‌شویم که بیانگر تفاوت در نوع نگرش شخص مفسر به زن است و این امر، بر اهمیت و ضرورت تحلیل و نقد هرچه بیشتر این نگرش‌ها تأکید می‌کند؛ اینکه آیا این تفاسیر آزاداندیشانه و منطبق بر منطق قرآن نوشته شده‌اند یا نگرش جنسیتی مفسر در شکل‌گیری آن‌ها نقش داشته است و میزان اعتبار و صحت این نگرش‌ها تا چه حد است و چه نقدی بر آن‌ها وارد است. به عنوان مثال، فخررازی ذیل آیه ۱۸ سوره زخرف، ضعف در استدلال را نقضی ذاتی برای زنان برمی‌شمرد (فخررازی، ۶۳۴/۲۷) و ابن عاشور آن را امری عرفی و برگرفته از شرایط محیطی عنوان می‌کند (ابن عاشور، ۲۲۸/۲۵). یا جماعتی از مفسران با قرائتی مردگرایانه، قوامیت مردان در آیه ۳۴ سوره نساء را مانند سیطره والیان بر رعایای خویش پنداشته و از آن حبس زن در خانه را نتیجه می‌گیرند (کیاهراسی، ۴۴۹/۲؛ مبینی، ۴۹۲/۲) و قرآن‌پژوهانی دیگر با قرائتی زن‌گرایانه، با این استدلال که این مردان هستند که در خدمت زنان بوده و برای آن‌ها کار می‌کنند، این آیه را دال بر برتری زنان بر مردان تفسیر کرده‌اند (Roded, 536). بنابراین، واکاوی مبانی فکری این مفسران و قرآن‌پژوهان و مستندات آن‌ها در شرایط فعلی جامعه امروزی ما امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا گاه به نام دین، حقوق انسانی زن نادیده گرفته می‌شود و گاه به نام حقوق زنان، حدود الهی مورد خدشه قرار می‌گیرد که این افراط و تفریط به فرموده امیرمؤمنان علی (ع) «لَا يَزِي الْجَاهِلُ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُفْرَطًا» (شریف رضی، ۶۸۲)، زائیده جهل و ناآگاهی است. در این جستار، منظور از مفسران، فقط مؤلفان تفاسیر قرآنی نیست؛ بلکه شامل قرآن‌پژوهانی که به صورت موضوعی در تفسیر آیات مربوط به زن کار کرده‌اند، نیز می‌گردد و این فرضیه که مبانی انسان‌شناسانه این مفسران و قرآن‌پژوهان در تفسیر آن‌ها از آیات مربوط به زن اثرگذار است، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

هرچند در باب جنسیت، آثار علمی متعددی به منصفه ظهور رسیده است؛ اما با استقرار نویسنده، اثری که به مبانی انسان‌شناسی و شاخص‌های معرفتی تفاسیر جنسیتی و مستندات آن که در شکل‌گیری این تفاسیر ارائه نقش کرده‌اند به صورت اختصاصی و یک‌جا پردازد و آن‌ها را مورد مقارنه و تحلیل و نقد قرار داده باشد، یافت نشد که ضرورت بحث مذکور را دو چندان می‌کند؛ لذا وجه تمایز این پژوهش، وسعت بخشیدن به گستره مطالعات جنسیتی در حوزه تفسیر قرآن، احصاء مبانی، مستندات، شاخص‌ها و تحلیل نگرش‌های جنسیتی برخی از مفسران و اندیشمندان صاحب‌نظر در این عرصه می‌باشد؛ اما در همین راستا می‌توان به آثاری اشاره کرد که از زوایا و جهاتی دیگر به این موضوع پرداخته‌اند، از جمله: مقاله «رهیافتی زبان‌شناختی به برابری جنسیتی در قرآن کریم» از محمد حسین و محمد حسن شیرزاد و محمد صادق هدایت‌زاده در مجله مطالعات قرآن و حدیث در سال ۱۳۹۵ش؛ مقاله «قرائت زن‌گرایانه از قرآن» از فروغ پارسا در مجله پژوهش‌نامه زنان در سال ۱۳۹۴ش؛ مقاله «خوانشی نو از تأثیر جنسیت بر تفسیر قرآن کریم» از مرضیه راجی و نرگس شکرپیگی در مجله مطالعات قرآن و فرهنگ اسلامی در سال ۱۳۹۹ش؛ رساله دکتری «بررسی انتقادی فهم جنسیتی از قرآن در حوزه حقوق و تکالیف» از اکرم بیات به استاد راهنمایی ایرج گلجانی در سال ۱۳۹۰ش؛ رساله «نقش جنسیت در تفسیر قرآن کریم با تأکید بر آراء آمنه ودود» از آرزو اسلامی به استاد راهنمایی سعید شفیعی در سال ۱۳۹۸ش؛ افزون بر این‌ها، طیفی از قرآن‌پژوهان و مفسران در داخل و خارج از کشور در دهه‌های اخیر مانند مهدی مهریزی در کتاب قرآن و مسئله زن در سال ۱۳۹۲ش؛ محمد حسین فضل‌ا... در کتاب تأملات اسلامیة حول المرأة در سال ۱۴۱۴ق؛ لیلا احمد در کتاب زنان و جنسیت در اسلام (۱۹۹۲م)؛ آمنه ودود در کتاب قرآن و زن (۱۹۹۹م)؛ اسماء بارلاس در کتاب زنان مؤمن در اسلام: خوانش‌زدایی تفسیرهای پدرسالارانه از قرآن (۲۰۰۲م)، به نقد و تحلیل گفتمان‌های جنسیتی در اسلام پرداخته‌اند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با دور روش توصیفی و تحلیلی و با رهیافتی انتقادی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای و با استفاده از فیش‌برداری از مقالات و کتاب‌های مرتبط با موضوع، درصدد است که برآیندی از نگرش‌های جنسیتی (قرائت‌های مردگرایانه و زن‌گرایانه از قرآن) برخی مفسران و قرآن‌پژوهان را با تأکید بر تفاسیر کلاسیک و تفاسیر نوآندیشانه در حوزه آیات مربوط به زن، به دست آورده و با تمرکز بر مبانی انسان‌شناسی و شاخص‌های معرفتی این تفاسیر به تحلیل مضمونی آن‌ها پردازد و مهمترین مستندات و مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری آن‌ها را احصاء نماید.

۱. قرائت مردگرایانه از قرآن

این نوع خوانش از قرآن، کهن‌ترین و مشهورترین دیدگاه غالب را در تفسیر آیات مربوط به زن تشکیل می‌دهد. در این دیدگاه تفاوت‌های فراوان تکوینی و معرفتی و همچنین فقهی و حقوقی میان زن و مرد، به وضوح قابل مشاهده است (مهریزی، نواندیشی دینی و مسئله زن، ۵۷-۸۰). پیروان این سنت فکری توجه بیشتری به ظاهر روایات داشته و در تفسیر آن‌ها مقاصد قرآنی را مد نظر قرار نمی‌دهند و در توجیه دیدگاه‌های خویش به روایاتی که دارای سند ضعیف و مرسل هستند نیز تمسک می‌جویند (شمس‌الدین، ۲۰). به عنوان مثال، ابوالفتوح رازی ذیل آیات «اعراف، ۲۰، ۲۱، ۲۲» از احادیث بهره برده است که بیانگر آن است که نخستین بار، حوا فریب شیطان را خورد و سبب اغوای آدم گردید (ابوالفتوح رازی، ۱۵۵/۸). درحالی که قرآن در آیات مذکور در خصوص وسوسه شیطان، تمام ضمیرها را به صورت «تثنیه» آورده است.

اهم مستندات پدیدآورندگان این نوع سنت فکری را می‌توان از لابه‌لای کتب تفسیری، حدیثی، فقه، تاریخ، کلام، فلسفه و دیگر کتب علوم اسلامی دریافت نمود. در میان کتب علوم قرآنی، می‌توان به کتاب البرهان فی علوم القرآن زرکشی اشاره نمود. وی در بیان یکی از معانی «مِن» از حروف جاره، چنین مثالی را عنوان می‌کند: «الرَّجُلُ خَيْرٌ مِنَ الْمَرْأَةِ ... وَ إِنَّمَا الْمَرْأَةُ هَذَا الْجِنْسُ خَيْرٌ مِنْ ذَلِكَ الْجِنْسِ» (زرکشی، ۸۸/۴). در میان کتب کلامی هم می‌توان از کتاب رسائل جرجانی نام برد که در آن «زن، عاملی بهر راندن هوا و شهوت نفس» شمرده می‌شود که خدا از داشتن آن بی‌نیاز است (جرجانی، ۵۹). غزالی نیز در آثار خود در بیان ویژگی‌های منفی زن از نمادهای حیوانی مانند سگ، مار، بوزینه، موش، خوک و ... بهره برده است. وی معتقد است خداوند در مقابل گناه اولیه زن، محرومیت‌ها و سختی‌هایی مانند قاعدگی، زایمان، حبس در خانه و نابرابری در ارث و شهادت و ... را قرار داده است (غزالی، ۳۷۱). ملاهادی سبزواری نیز در شرح عبارتی از ملاصدرا که زنان را در زمره حیوانات قرار داده است، می‌نویسد: «سیرت زنان مانند چهارپایان و صورت آن‌ها به صورت انسان است تا مردان از همنشینی با آن‌ها مشمئز نگردند» (ملاصدرا، ۱۳۶/۷). از دیدگاه‌های در خور تأمل در کتب فقهی هم می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: محمد حسن نجفی در جواهرالکلام معتقد است از آیه «قوامیت» استشمام می‌شود که تقریباً استمتاع در برابر انفاق قرار دارد، چنان‌که رسیدگی به چارپا و علوفه دادن به او برای استفاده از باربری است (نجفی، ۳۰۶/۳۱). طوسی نیز در المبسوط تلقی فقها از نکاح را چیزی شبیه استیجار می‌داند و تنها تفاوت زن و خانه را در اطعام زن از جانب شوهر می‌داند (طوسی، ۸/۶). در لابه‌لای کتب حدیثی نیز به روایاتی از این دست بسیار برمی‌خوریم. در وسائل‌الشیعه بابی است به عنوان «بَابُ اسْتِحْبَابِ حَبْسِ الْمَرْأَةِ فِي بَيْتِهَا» که در آن احادیث نقل شده است که به امر حبس کردن زن‌ها در خانه می‌پردازد (حرعاملی، ۶۴/۲۰) و یا احادیث فراوانی در کتب دیگر حدیثی است که برتری مطلق مرد بر زن را به آیاتی از قرآن مانند آیه قوامیت (النساء، ۳۴) و آیه

درجه (البقره، ۲۲۸) مستند کرده و آن را به مانند برتری آسمان بر زمین تعبیر کرده‌اند (ابن بابویه، الامالی، ۱۹۳؛ مجلسی، ۲۹۹/۹؛ بحرانی، ۷۳/۲). در برخی کتب تفسیری نیز وضع بدین گونه است؛ صاحب تفسیر اضواء البیان ذیل آیه «... فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ...» (النساء، ۳)، علت تعبیر از زنان به «ما» نه به «من» را تشبیه زنان به موجوداتی دانسته که فاقد عقل هستند (شنقیطی ۲۴۰/۱). تداوم این نگرش منفی نسبت به زن و گرایش‌های نقل‌گرایانه و اخباری مسلک، فقط دوره قدیم را شامل نمی‌گردد؛ بلکه در دوران معاصر نیز مفسرانی هستند که بدون توجه به مقاصد کلی شریعت، در آثار آن‌ها تفاوت‌های تکوینی و معرفتی میان زن و مرد کاملاً مشهود است (مهریزی، قرآن و مسئله زن، ۲۵۲).

۱-۱. مبانی انسان‌شناسی قرائت‌های مردگرایانه از قرآن

در جهان سنتی، "انسان" جزئی از کل هستی است که دارای جایگاه و تکالیف معینی بوده و سعادت‌مندی وی در گرو انجام این تکالیف است. به طور کلی انسان در این منظومه فکری، انسانی مکلف و امانت‌دار خدا در روی زمین است و آنچه حائز اهمیت است، آگاهی انسان نسبت به این تکالیف است (مجتهد شبستری، هرمنوتیک، کتاب و سنت، ۸۲). پیروان این سنت فکری به اعتبار ثابت بودن جوهره شریعت، خواهان ثبوت جامعه، تاریخ و احکام شریعت هستند و این ثبات‌گرایی آن‌ها، دامن انسان و به خصوص زن را نیز به عنوان یک انسان فرا گرفته است؛ لذا همان دیدگاهی را نسبت به زن جامعه امروز دارند که نسبت به زن جامعه قدیم و حقوقی را برای زن امروزی متصور می‌شوند که جامعه آن‌روز به اقتضای آن زمان، نمی‌توانست بیشتر از آن‌را در نظر بگیرد و این امر را نتیجه عدم قابلیت ذاتی زن پنداشته و این فروتری را به فروتری ارزش‌های انسانی زن نیز تعمیم داده‌اند (حکیم‌پور، ۶۰) در حالی که زنان نیز طبق آیات «التین، ۴» و «المؤمنون، ۱۴» در عالی‌ترین سرشت وجودی پا به عرصه خلقت نهاده و در اصل آفرینش از فضیلت یکسانی با مردان برخوردارند. برخی از مهمترین مبانی انسان‌شناسانه این دیدگاه و مستندات آن‌ها عبارتند از:

۱-۱-۱. آفرینش زن از مرد

قرآن در آیات متعددی از خلقت زن و مرد سخن رانده است؛ اما پیروان این دیدگاه با استناد به سه آیه «النساء، ۱»، «الاعراف، ۹۸» و «الزمر، ۶» که مضمونی شبیه به هم دارند، معتقدند زن از مرد آفریده شده و جزئی از اوست و به طور ضمنی القاء می‌کنند که وجود زن وابسته به مرد است. آن‌ها بیان می‌کنند منظور از نفس واحده در آیه «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا...» (الزمر، ۶)، آدم است و زوج او یعنی حوا از وی خلق شده است. برخی از آن‌ها به آفرینش حوا از یکی از دنده‌های آدم اشاره کرده‌اند (قمی، ۱۳۰/۱؛ طوسی، التبیان ۹۹/۳؛ طبرسی، مجمع البیان ۷۶۵/۸). آن‌ها در این زمینه پاره‌ای از احادیث را مؤید تفسیر خود قرار داده‌اند، مانند «أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ مِنَ الْمَاءِ وَالطِّينِ، فَهَمَّهُ آدَمُ فِي الْمَاءِ وَالطِّينِ؛ وَإِنَّ اللَّهَ خَلَقَ حَوَاءَ مِنْ آدَمَ، فَهَمَّهُ النِّسَاءُ فِي الرَّجَالِ»

و «رَوُّوا عَنِ النَّبِيِّ صَ أَنْهُ قَالَ: خُلِقَتِ الْمَرْأَةُ مِنْ ضِلْعِ إِنْ أَقَمْتَهَا كَسَرْتَهَا وَ إِنْ تَرَكْتَهَا وَ فِيهَا عَوَجٌ اسْتَمْتَعَتْ بِهَا» (کلینی، ۳۳۷/۵، طبرسی، مجمع‌البیان ۶/۳؛ مجلسی، ۹۹/۱۱). این روایات در منابع متقدم و متأخر اهل سنت نیز مشاهده می‌شود (طبری، ۱۵۰/۴؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۸۵۲/۳؛ آلوسی، ۳۹۲/۲). در حالی که، علاوه بر معارض بودن این احادیث با روایاتی که بر خلقت مستقل زن تأکید می‌کند (ابن‌بابویه، من لایحضره الفقیه، ۳۷۹/۳؛ حرعاملی، ۳۵۲/۲۰؛ مجلسی، ۱۱۶/۱۱)، به صورت جمع آمدن واژه‌های "نفس" و "زوج" در عبارت «جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا» در آیات «الروم، ۲۱»، «النحل، ۷۲» و «الشوری، ۱۱»، بیانگر تشابه جنس زن و مرد است؛ زیرا امکان ندارد همسر هر مردی از او آفریده شده باشد؛ بلکه مراد آن است که همسران شما از جنس شما هستند و این سه آیه شاهد و قرینه‌ای آشکار هستند که در آیات دیگر هم، منظور تشابه زن و مرد در خلقت است؛ لذا برخی "من" در «مِنْ أَنْفُسِكُمْ» را بیان‌کننده جنس عنوان کرده‌اند (ابن‌کثیر، ۲۷۸/۶؛ زحیلی، ۶۹/۲۱)، هر چند اگر "من" بعضیه هم باشد برای زن و مرد هر دو به کار رفته است؛ زیرا در عربی، جمع زن و مرد با صیغه مذکر به کار برده می‌شود.

۱-۲-۱. آفرینش زن برای مرد

پیروان این سنت فکری از دو آیه «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...» (الاعراف، ۱۸۹) و «وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا...» (الروم، ۲۱)، چنین برداشت کرده‌اند که فلسفه آفرینش زنان، آرامش و سکون مردان است و اصل در حیات، مردان می‌باشند و به طور کلی هدف از خلقت زن، در دو چیز خلاصه می‌شود: الف) رفع نیازها، آرامش و آسودگی خاطر مرد؛ ب) تولید مثل در جهت بقای نسل آدمی (طوسی، التبیان، ۵۲/۵؛ ابوالفتح رازی، ۳۷/۹؛ کاشانی، ۱۵۵/۴). آن‌ها برای اعتبار بخشیدن به دیدگاه خویش به برخی روایات مانند «فی الإحتجاج مِنْ سُؤَالِ الرَّنْدِيقِ الَّذِي سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ... خَلَقَ لِلرِّجَالِ النِّسَاءَ لِیَأْتُوا بِهِنَّ وَ یَسْكُنُوا إِلَيْهِنَّ وَ یَكُنَّ مَوْضِعَ شَهْوَاتِهِمْ وَ أُمَّهَاتِ أَوْلَادِهِمْ» (طبرسی، الإحتجاج، ۳۴۷/۲؛ حرعاملی، ۳۵۰/۲۰؛ مجلسی، ۱۸۱/۱۰) استناد می‌کنند، در حالی که محتوای این روایت علاوه بر مشکل ارسال در سند (مهریزی، قرآن و مسئله زن، ۳۵۸)، به علت مغایرت با محتوای کتاب الهی نیز مردود است؛ زیرا طبق آیه (ذاریات، ۵۶) هدف اصلی آفرینش عبادت پروردگار است و وحدت در آفرینش، تشابه در ماهیت و اشتراک در انسانیت زن و مرد، اقتضاء این مطلب را دارد که آنها از هدفی واحد در جهان هستی برخوردار باشند و آفرینش زن به عنوان یک انسان نیز به همین دلیل صورت گرفته است. بنابراین، دو آیه مذکور، در مقام بیان فلسفه خلقت زن نیست؛ بلکه نیاز هریک از دو جنس (زن و مرد) به یکدیگر بیان شده است. ظاهر آیه اول، بر یک طرف سکونت اشاره می‌کند و آیه دوم بر طرفینی بودن این سکونت و آرامش دلالت می‌کند (بسیاری از خطاب‌های قرآنی، مطابق ساختار زبان عربی، به صورت مذکر آورده می‌شود) و واژه زوج نیز بر هریک از زن و مرد اطلاق می‌گردد (طباطبایی، ۱۶/۱۶). از

سوی دیگر، آیه «هُنَّ لِيَأْسُ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَأْسُ لَهُنَّ» (البقره، ۱۸۷) به صراحت، طرفینی بودن نیاز هریک از زن و مرد را به یکدیگر بیان می‌کند.

۱-۱-۳. نقص عقل زن

پیروان این دیدگاه ضمن تأکید بر تمایزات فراوان زیستی و روانی زن و مرد با استناد به آیه قوامیت (النساء، ۳۴)، آیه درجه (البقره، ۲۲۸)، آیه شهادت (البقره، ۲۸۲) و آیه زینت (الزخرف، ۱۸)، معتقد به برتری مردان بر زنان در تعقل بوده، آنرا امری طبیعی فرض کرده و به تبع آن، فزونی علم ایشان نسبت به زنان را نیز بیان کرده‌اند (فاضل مقداد، ۲/۲۱۱؛ کاشانی، ۳/۱۹-۲۰؛ شریف لاهیجی، ۱/۴۶۹). آن‌ها در این زمینه به روایاتی که مرجع اصلی آن‌ها به پیامبر (ص) برمی‌گردد، مانند «... مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلَى نِسْوَةٍ فَوَقَفَ عَلَيْهِنَّ ثُمَّ قَالَ يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ مَا رَأَيْتُمْ نَوَاقِصَ عُقُولٍ وَ دِينَ أُدْهَبَ بِعُقُولِ ذَوِي الْأَلْبَابِ مِنْكُمْ...» (کلینی، ۵/۳۲۲؛ ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ۳/۳۹۰؛ حرعاملی، ۲۰/۲۴) و روایاتی منسوب به امیرالمؤمنین (ع) مانند «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ النِّسَاءَ نَوَاقِصُ الْإِيمَانِ نَوَاقِصُ الْحُطُوطِ. نَوَاقِصُ الْعُقُولِ ... وَأَمَّا نَقْصَانُ عُقُولِهِنَّ فَشَهَادَةُ امْرَأَتَيْنِ كَشَهَادَةِ الرَّجُلِ الْوَاحِدِ» (شریف رضی، ۱۲۷؛ طریحی، ۴/۱۸۸؛ حرعاملی، ۲/۳۴۴)، استناد می‌کنند؛ اما بر فرض اثبات انتساب این قبیل روایات به امیرالمؤمنین (ع)، اولاً: روایت مذکور، ناظر به یک واقعه بوده و به عنوان یک قضیه حقیقیه، مطرح نیست و نمی‌توان آن‌را به تمام زنان سرایت داد؛ ثانیاً: مقصود از نقصان عقل، نقصان ذاتی نیست؛ بلکه ناظر بر عقل تجربی در مسائل اجتماعی است. از طرفی، علتی هم که در این روایت برای نقص عقل زن ذکر می‌شود، دلیل موجهی نیست؛ زیرا توجیه نقصان عقل، با برابر نهادن گواهی دو زن با گواهی یک مرد، نمی‌تواند صحیح باشد؛ زیرا مسئله شهادت، به سلامت حواس انسان در رؤیت صحیح حوادث مربوط می‌شود، نه به بعد عقلانی وی (جوادی آملی، ۲۲۸؛ فضل‌الدین، زن از نگاهی دیگر، ۷). یکی از عالمان سنتی در عصر معاصر، نقص عقل زنان را مذمتی برای آنان نمی‌پندارد؛ بلکه واقعیتی می‌داند که در سرشت آنان قرار دارد و بیان می‌کند بقای نسل، اقتضاء دارد زنان، عهده‌دار امر زایمان باشند که جهت تسهیل در این امر خطیر، لوازم آن که عبارتند از عواطف قوی و ضعف قوه عقلانی در اختیار زنان قرار داده شده است (مصطفوی، ۱۲۲). برخی از مفسران نیز ذیل آیه «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ...» (النساء، ۵)، زنان را مصداق بارز «اسفاه السفهاء» پنداشته (طبری، ۴/۱۶۴؛ ابوالفتوح رازی، ۵/۲۴۷؛ کاشانی، ۲/۴۲۵) و در این زمینه به برخی روایات منسوب به پیامبر (ص) که در منابع اهل سنت نیز ذکر شده‌اند، مانند «إِنَّ النِّسَاءَ هُنَّ السُّفَهَاءُ» و «إِنَّمَا خَلَقْتُ النَّارَ لِلْسُّفَهَاءِ - يَقُولُهَا ثَلَاثًا - أَلَا وَ إِنَّ السُّفَهَاءَ النِّسَاءَ» (ابن ابی حاتم، ۳/۸۶۳؛ طبرانی، ۲/۱۹۰؛ ثعلبی، ۳/۲۵۱) استناد می‌کنند و بر اساس این روایات، بیان می‌کنند که نباید مالی را در اختیار زنان قرار داد (طبری، ۴/۱۶۴؛ کیه‌راسی، ۲/۳۲۶). در حالی که محتوای این روایات با آیات تعلق مهریه به زنان (النساء، ۲۰، ۲۴، ۲۵)؛ سهم الارث آن‌ها (النساء، ۱۱) و آیه «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا كَتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ

نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (النساء، ۳۲) که به صراحت استقلال و مالکیت زن را بر اموالش بیان می‌کند، در تعارض آشکار است. همچنین خداوند در آیه ۱۹۰ سوره آل عمران به صراحت «أُولِي الْأَلْبَاب» (صاحبان عقل و خرد) را شامل «ذکر» و «انثی» دانسته و ضمن برشمردن ویژگی‌ها و وعده استجابات دعاهاى آن‌ها بیان می‌دارد که «عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از آن‌ها را مرد باشد یا زن، ضایع نخواهد کرد». بنابراین، آیات قرآن که مهمترین معیار ارزیابی صحت و سقم روایات هستند، زنان را از مصادیق «أُولِي الْأَلْبَاب» (صاحبان عقل و خرد) برشمرده است.

۱-۱-۴. نقص ایمان زن

پیروان این سنت فکری به نقص ایمان زنان اشاره کرده (میبدی، ۴۹۲/۲؛ ابوالفتوح رازی، ۳۴۸/۵؛ فیض کاشانی، ۴۴۸/۱) و در ارائه تحلیل‌های خود به برخی روایات استناد می‌کنند و در این زمینه اعتبار سند، زمینه و شرایط ذکر روایات و مقاصد قرآنی را نادیده می‌گیرند. روایاتی مانند این حدیث که از پیامبر (ع) در منابع شیعه و اهل سنت با مضمونی واحد نقل شده است «... يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ مَا زَأَيْتُ مِنْ ضَعِيفَاتِ الدِّينِ وَ نَاقِصَاتِ الْعُقُولِ أَذْهَبَ بِعُقُولِ ذَوِي الْأَلْبَابِ مِنْكُمْ ... فَأَمَّا نَقْصَانُ إِيْمَانِهِنَّ فَمَقْهُودُهُنَّ عَنِ الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ فِي أَيَّامِ حَيْضِهِنَّ ...» (کلینی، ۳۲۲/۵؛ ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ۳۹۰/۳؛ ابن حنبل، ۴۵۰/۱۴). در این روایات علت نقص ایمان زن، محرومیت وی از نماز و روزه در برخی ایام بیان شده است، در حالی که این تعلیل، هیچ وجهی ندارد؛ زیرا زن بخاطر پیروی از فرمان خداوند از انجام این امور استنکاف کرده است و ترک محرمات دینی به همان اندازه، شاخص و ملاک اطاعت از اوامر الهی است که انجام تکالیف الهی (فضل ا...، نقش و جایگاه زن در حقوق اسلامی، ۵۶). فیض کاشانی در علت اعتقاد به غلبه جهات روحانی و معنوی مردان بر زنان بیان می‌دارد که در ذیل آیه ۱ سوره نساء برخی مفسران به خلقت زن از دنده چپ مرد اشاره کرده‌اند که آن اشاره‌ای به مفقود شدن حالات مادی و غیر روحانی مردان و اضافه شدن آن به سرشت اصلی زنان است؛ زیرا مفهوم راست، کنایه از عالم روحانی و ملکوتی و مفهوم چپ، کنایه از عالم جسمانی و مادی است (فیض کاشانی، ۱ / ۴۱۵). درحالی که مضامین آیاتی مانند «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ...» (الاحزاب، ۳۵) و آیات (النساء، ۱۲۴) و (غافر، ۴۰) تساوی کامل زن و مرد را در رسیدن به فضائل معنوی و برخوردارگی از ایمان بیان داشته و تصویری که از زن ارائه می‌دهند، تصویر یک انسان کامل است.

۱-۱-۵. عدم استقلال زن

در این دیدگاه، زنان دارای هویت و پایگاهی مستقل نیستند و از آن‌ها فقط به عنوان همسران «شوهر»، مادران «فرزند» و دختران «پدر» یاد می‌شود و هویت خود را نه از طریق توانایی‌ها و استعدادهاى فردی، بلکه از طریق ایفای نقش همسری و مادری کسب کرده و پایگاه اجتماعی ایشان در وابستگی با مردان، نمود پیدا می‌کند (تشکری، ۱۰۵). در حقیقت در این دیدگاه، اراده زنان در رده بعد از اراده خداوند و

اراده همسرانشان قرار می‌گیرد و زن، موجودی است با کارکردهای جنسیتی نه فردی که از ویژگی‌ها و ارزش‌های کامل انسانی برخوردار است. پیروان این منظومه فکری، با استناد به آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...» (النساء، ۳۴) و آیه «وَوَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ...» (الاحزاب، ۳۳) و آیه «... إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ...» (الاحزاب، ۵۳)، اصرار بر خانه‌نشینی زنان و دوری آنان از جماعت مردان را دارند (کیهراسی، ۴۴۸/۲؛ میبیدی، ۴۹۲/۲). آن‌ها به روایاتی مانند «النِّسَاءُ عَوْرَةٌ أَحْسَبُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ» (کلینی، ۵۳۵/۵؛ قاضی نعمان مغربی، ۲۱۴/۲؛ ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ۳۹۰/۳) و روایتی منسوب به حضرت زهرا (س) که در جواب بهترین چیز برای یک زن فرمودند: «أَنْ لَا تَرَى رَجُلًا وَلَا يَرَاهَا رَجُلٌ» (طبرسی، مکارم الاخلاق، ۲۳۳؛ اربلی، ۴۶۶/۱؛ حرعاملی، ۶۷/۲۰) و با اندکی اختلاف در الفاظ، به روایاتی از منابع حدیثی اهل سنت مانند «خَيْرُ مَسَاجِدِ النِّسَاءِ فِي قَعْرِ بُيُوتِهِنَّ» (ابن حنبل، ۲۹۷/۶؛ ابن خزیمه، ۹۲/۳؛ بیهقی، ۱۳۱/۳)، تمسک بسته و به توجیه دیدگاه خود در حصر خانگی زنان می‌پردازند. آن‌ها برخی احکام فقهی مانند وجوب ستر کل بدن زن حتی وجه و کفین و عدم خروج وی از منزل را نیز بر این احادیث مترتب می‌کنند (نجفی، ۱۶۳/۸؛ بروجردی، ۲۵/۳؛ محقق حلی، ۲۹۳/۲). در حالی که ظهور روایات مذمت حضور اجتماعی زنان بسیار متأخرتر از زمان پیامبر (ص) بوده و به نیمه دوم سده دوم هجری می‌رسد و در منابع روایی سده سوم به بعد، ثبت گردیده است (ریعان، «تحلیلی زبان‌شناسی بر روایت "بیوتهن...»»، ۱۷۹). پیروان این دیدگاه، فارغ از هرگونه توجه به نحوه شکل‌گیری و تحولات تاریخی این احادیث و زمینه‌های اجتماعی ظهور این آیات که از مختصات مهم در فهم آیات و روایات به شمار می‌رود و بدون بررسی این روایات از لحاظ سند و محتوا، تعارض با قرآن، سنت و سیره اهل بیت (ع) و مسلمات علمی موثق‌الصدر، به استخراج احکام شرعی از این روایات مبادرت ورزیده‌اند. به‌طور نمونه روایت «النِّسَاءُ عَوْرَةٌ أَحْسَبُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ» گذشته از بررسی اعتبار سندی آن، محتوای آن نیز با تعبیری که قرآن در وصف زنان بیان کرده است مانند "سکینه" (الروم، ۲۱)، "حرث" (البقره، ۲۲۳) و "لباس" (البقره، ۱۸۷) در تعارض است؛ زیرا چگونه زن می‌تواند لباسی باشد که عیوب را می‌پوشاند، ولی در عین حال تمام وجود او عورت باشد (طیبی و همکاران، ۱۱۴) و یا حکم خانه‌نشینی زنان در روایت مذکور، با آیه ۱۵ سوره نساء که خانه‌نشینی را تنبیهی برای زنانی که «يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ» هستند، مطرح می‌کند و نیز با حضور زنان در امر مباحله (آل عمران، ۶۱)؛ بیعت زنان با پیامبر (ص) (الممتحنه، ۱۲)؛ هجرت زنان (الممتحنه، ۱۰) و حضور زنان در تکلیف اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر (التوبه، ۷۱) در تعارض است و از سوی دیگر، علاوه بر آیات مذکور با گزارشات تاریخی مبنی بر حضور اجتماعی زنان در عصر پیامبر (ص) و تقریر وی بر این امر نیز در تعارض است، مانند مشاوره پیامبر (ص) با ام سلمه در امور سیاسی در قضیه صلح حدیبیه (حائری طهرانی، ۱۶۳/۱۱)؛ گفتگوی پیامبر (ص) با اسماء بنت یزید در خصوص مطالبات زنان (ابن عبدالبر، ۱۷۸۷/۴ و ۱۷۸۸)؛ پاسخگویی پیامبر به اسماء بنت عمیس و ام سلمه در مورد تفاوت امتیازات زن و مرد در قرآن (ابن سعد، ۲۱۹/۸؛ سیوطی، ۲۰۰/۵)؛ حضور زنان در هنگامه

جنگ، برای تیمار مجروحان (ابن هشام، ۳۵۶/۳؛ کلینی، ۴۵/۵)؛ سخنرانی حضرت فاطمه زهرا (س) در جمع انصار و مهاجران (ابن ابی طاهر، ۲۳-۳۳؛ طبرسی، الاحتجاج، ۹۷/۱).

۱-۱-۶. عدم توانایی زن در کسب کمالات

پیروان این دیدگاه با اعتقاد به عدم تساوی زن و مرد در راه رسیدن به کمالات و اجر و کیفر اخروی، برتری و فضیلت مردان را با استناد به آیه «النساء، ۳۴»، امری کاملاً آشکار و بدیهی می‌پندارند (آلوسی، ۲۳/۳؛ بلاغی، ۱۰۴/۲؛ گنابادی، ۱۵/۲) و معتقدند که شاید راه برای رسیدن به کمالات روحی برای زنان گشوده باشد؛ اما زنان، خصلت‌هایی را دارا هستند که در عمل، دستیابی به این مقامات معنوی برای آن‌ها امری دشوار است؛ چرا که زنان زود کافر می‌شوند و دیر ایمان می‌آورند (موسوی دهرسخی، ۳۲). در حالی که از منظر قرآن، زن این قابلیت را دارد که در کسب کمالات معنوی تا آنجا پیش رود که مانند حضرت مریم (س) برگزیده الهی و هم‌سخن فرشتگان گردد (آل عمران، ۴۲)؛ به مقام صدیقین دست یابد (المائده، ۷۵)؛ به عنوان آیتی بزرگ برای اهل عالم مطرح گردد (الانبیاء، ۹۱) و به همراه آسیه همسر فرعون به عنوان الگوهای برجسته برای همه مؤمنان، اعم از زن و مرد معرفی گردد (التحریم، ۱۱ و ۱۲).

۱-۱-۷. عدم تساوی حقوق زن با مرد

پیروان این سنت فکری معتقدند نظام اجتماعی جامعه، بسان هرمی است که در قله آن هرم، مرد و در قاعده آن، زن قرار دارد و در بسیاری از کتب فقهی، زنان در کنار بردگان، کنیزان، کودکان و دیوانگان ذکر شده‌اند و احکام آن‌ها مشترک است (محقق حلی، ۱۱۲/۱؛ طوسی، المبسوط، ۳۸/۲). البته شواهد تاریخی مبین این حقیقت است که این نگاه فرودستانه به زن حتی در میان فیلسوفان یونان باستان نیز وجود داشته است. افلاطون که یکی از مهمترین فلاسفه یونان است، مرد را جنس برتر و منشأ آفرینش و زن را جنس دوم و پست و مظهر شهوت و حسد دانسته که باید تحت سلطه مرد باشد (مولر آکین، ۳۴). پیروان این نوع خوانش از قرآن با استناد به آیه «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا...» (البقره، ۲۸۶)، فراتر بودن حقوق مردان و فروتر بودن حقوق زنان را از نتایج منطقی فروتر بودن تکالیف زنان نسبت به مردان برمی‌شمرد (شرفی، ۱۸۶). از منظر آن‌ها اگر در شریعت اسلام برای زنان در بعضی از امور اجتماعی مانند قضاوت، جهاد، حکومت، کشف حجاب، اختلاط با مردان، نماز جماعت و تشیع جنازه، محدودیت‌هایی در نظر گرفته شده است، در جهت عطا کردن حق به ایشان، به نحو تمام و کمال است نه در طریق سلب کردن حق از آنان؛ زیرا متناسب با ظرفیت و طبیعت زن تکالیفی برای وی مقرر شده است (حسینی طهرانی، ۳۲) و زن به هر اندازه هم تلاش کند نه از لحاظ جسمی و نه از لحاظ درک و درایت به پای مرد نخواهد رسید (جعفریان، ۳۶۲). آن‌ها با استناد به حدیث «لن یفلح قوم و لو امرهم امرأة» در منابع شیعه و اهل سنت (ابن حنبل، ۳۸/۵؛ بیهقی، ۱۱۸/۱۰؛ مجلسی، ۲۱۲/۱۵)، به عدم قضاوت زنان و تولیت آن‌ها بر حکومت، حکم کرده‌اند (طوسی، الخلاف، ۲۱۳/۶)؛

نجفی، ۱۲/۴۰-۱۴) در حالیکه این روایت برساخته و تاریخ پیدایش آن بسیار متأخر از زمان پیامبر (ص) است (ریعان و رحمان ستایش، ۲۰) و از سوی دیگر، این حدیث با آیه «التوبه، ۷۱» که به صراحت ولایت زنان مؤمن بر مردان مؤمن و بلعکس را مطرح کرده نیز در تعارض است. همچنین در قرآن مشاهده می‌شود که از «بلقیس» به عنوان زنی که زمامدار حکومتی است که با درک سیاسی و درایت بالا، جامعه خویش را به سعادت رهنمون می‌گردد، یاد می‌شود (النمل، ۳۵-۴۴). برخی مفسران معتقدند اگر در تاریخ اسلام، نشانی از حکومت زنان نمی‌بینیم به دلیل عرف جامعه بوده است و دلیلی از منع قرآنی بر آن نیست و زن می‌تواند به مسند قضاوت نشسته و مرجعیت تقلید را نیز دارا باشد (فضل الله، قراءه جدیدة لفقہ المرأة، ۶۸-۷۲؛ صانعی، ۲۰-۲۱؛ جناتی، ۱/ ۶۲ و ۵۳۲) و مطابق آیه «البقره، ۲۲۸» از حقوقی مساوی با مرد برخوردار است.

۱-۲. شاخص‌های معرفتی قرائت مردگرایانه از قرآن

با توجه به مبانی مذکور، می‌توان شاخص‌هایی را برای این نوع خوانش از قرآن ملاحظه نمود که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱-۲-۱. عدم توجه به اقتضات زمان و مکان (گذشته‌گرایی)

این دیدگاه به اعتبار ثابت‌انگاری جوهره شریعت، احکام آن را نیز ثابت و تغییرناپذیر پنداشته به هیچ وجه در پی بازخوانی احکام و تفاسیر، متناسب با شرایط متحول جامعه نیست؛ بلکه صاحبان این دیدگاه، در تلاش برای بازسازی شرایط اجتماعی زمانه خویش، بر پایه عصر تنزیل می‌باشند (حکیم‌پور، ۵۶). آن‌ها در ایستار فکری خود، همواره واپس‌نگر هستند و به علت تقدسی که نسبت به گذشته قائل هستند، نسبت به مقتضیات زمان و مکان، بدون توجه هستند (شرابی، ۱۳). آن‌ها در امر زنان نیز هرگونه تلاشی را در جهت انطباق با تحولات زمانه، بدعت و انحراف از دین قلمداد کرده و خواهان بازگشت وضعیت آن‌ها به وضعیت زنان صدر اسلام هستند (سبحانی، ۲۲). در حالی که اسلام برای جنبه‌های ثابت زندگی انسان، قوانین ثابت و برای نیازهای متغیر وی، متناسب با مقتضیات زمان و مکان و تحولات جامعه، قوانین متغیر و ناثابتی را در نظر گرفته است که این قوانین بر پایه اصول ثابتی که روح این قوانین هستند، استوار گردیده‌اند که در هر وضعیت متغیری، قوانین فرعی خاص خود را به وجود می‌آورد (مطهری، ۱۰۶). این امر را می‌توان راز ماندگاری دین اسلام و بیانگر عدم تعارض این دین با پیشرفت و تکامل جامعه بشری دانست.

۱-۲-۲. عدم توجه به مقاصد عالی شریعت

این نوع خوانش از قرآن، با انتظار حداکثری از دین و اصرار بر فهم سنتی از نصوص، حقوق مربوط به زنان را از ظاهر نصوص، جستجو می‌کند و با عدم اهتمام به درک مفاهیم عمیق آیات قرآنی و پرهیز از بیان فلسفه و حکمت این مفاهیم با اتکا به ظاهر روایات و اجتناب از پالایش آن‌ها، عنایتی به معنای مرکزی و روح کلی شریعت ندارد (مه‌ریزی، نواندیشی دینی و مسئله زن، ۸۰). ظهور تمام این موارد

مذکور، دامنگیر اجتهادهای فقهی در خصوص فقه زنان و عرضه احکام زنان در قالب‌های کهنه نیز گردیده است (فضل‌الله، نقش و جایگاه زن در حقوق اسلامی، ۱۲). این دیدگاه بسیار شریعت‌اندیشانه است و تقریباً همه دین را منحصر در فقه می‌شمرد و با اعتقاد به تعبد در احکام دین (ملکیان، ۳۶) معتقد است باید از انجام اموری که شرع، دستور روشنی در باب آن نداده است، اجتناب نمود؛ لذا بر پایه این استدلال، معتقد به حرمت تصدّی زن نسبت به اموری است که از شئون ولایت برخوردار است (حسینی طهرانی، ۱۸۴ - ۱۸۶). به طور مثال، مادر به عنوان یک زن، از جایگاه ویژه‌ای در آموزه‌های قرآنی برخوردار است (نوح، ۲۸)، (ابراهیم، ۴۱)، (النساء، ۳۶)؛ اما در مصادر فقهی بیشتر از وی به عنوان جایگاه پرورش نطفه یاد می‌شود و هر طفلی بعد از عقد نکاح، ملحق به پدر اوست (محقق حلی، ۲۸۵/۲؛ نجفی، ۲۲۲/۳۱) و بر این اساس، برخی احکام حقوقی از قبیل ولایت فرزند (ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی) و قیمومیت وی (ماده ۱۲۱۸ قانون مدنی)، با پدر یا جد پدری یا وصی منصوب از طرف آن‌هاست که این امر در تعارض صریح با آیه «الطارق، ۶ و ۷» که فرزند را متعلق به هر دو (پدر و مادر) می‌داند و آیه «المؤمنون، ۵۰» که از حضرت عیسی (ع) با تعبیر «ابن مَریم» و آیه «طه، ۹۴» که از حضرت موسی (ع) با تعبیر «ابن امّ» یاد می‌کند (پارسا، «تمایز جایگاه مادر در آموزه‌های قرآنی با منابع فقه»، ۶) و نیز با مقاصد عالی شریعت که نقش ویژه‌ای برای مادران در تربیت روحی فرزندان و بوجود آوردن یک جامعه الهی قائل است، می‌باشد.

۱-۲-۳. تأکید بر نص‌گرایی و اتکای شدید بر احادیث

پیروان این دیدگاه در راستای نگاه فرودستانه‌ای که نسبت به زن دارند، بدون کنار نهادن احادیث ضعیف و غیر معتبر در باب زنان و توجه به زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری احادیث و دقت و تأمل در محتوای روایات معتبر، به مطرح کردن این نصوص پرداخته‌اند، درحالی‌که برخی از این نصوص، تحت تأثیر شرایط جامعه، عرف خاص و تعصبات شخصی و اجتماعی ناقلان این روایات شکل گرفته‌اند و یا حاصل ورود فرهنگ‌ها و نصوص غیر اسلامی به درون فرهنگ اسلامی می‌باشند؛ لذا نمی‌توان آن‌ها را بیانگر حکم شرعی و الهی در نظر گرفت، در چنین حالتی، ضمن شناسایی احادیث صحیح از جعلی، باید نص را نسبت به همان اوضاع و احوال زمان صدور حدیث، مورد سنجش قرار داد و از مطلق انگاشتن و حذف عنصر زمان و مکان در درک و فهم حدیث، پرهیز نمود (شمس‌الدین، ۲۰). به طور نمونه، حائری طهرانی در تفسیر آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ...» (التغابن، ۱۴) با استناد به روایتی منسوب به پیامبر (ص) درباره زنان که فرموده است «شاوروهنّ و خالفوهنّ» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۹/۱۸؛ مقدس اردبیلی، ۳۳۳؛ مجلسی، ۱۶۵/۷۴)، زنان را افرادی سفیه و مطیع هوای نفس که فاقد صلاحیت مشورت هستند، معرفی می‌کند (حائری طهرانی، ۱۶۳/۱۱)، در حالی‌که این روایت منفردی است که منقول از پیامبر (ص) نبوده و بر ساخته نیمه دوم قرن دوم هجری است (ربیعان، «نقد روایات مشورت با زنان»، ۱۰۶) و با آیات «الشوری، ۳۸» و

«آل عمران، ۱۵۹» که حکمی عام در زمینه مشورت را بیان می‌کند و آیه «البقره، ۲۳۳» که حکمی خاص در این زمینه است، در تعارض است.

۴-۲-۱. تقدس گرایی در نصوص دینی

پیروان این نوع خوانش از قرآن چون به جاودانگی و جامع بودن دین اسلام معتقدند، بر این باورند آنچه ضرورت زندگی دنیوی و اخروی انسان است در منابع اسلامی یافت می‌شود و با استناد به این روایت که «شَرُّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا وَ كُلُّ مُحَدَّثَةٍ بَدْعَةٌ وَ كُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ» (ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ۴/۴۰۳؛ مفید، ۱۸۸)، با هرگونه نوآوری و تفسیر مبتنی بر شیوه‌های جدید علمی، مخالف هستند و امور جدید را نوعی بدعت و مایه گمراهی دانسته که ریشه آن در هوای نفس انسانی و مبتنی بر جهل و تباهی است و در نقطه مقابل آن، فرهنگ اسلامی را قرار داده، معتقدند سنت، ریشه در وحی الهی داشته، مبتنی بر اصالت، ثبات و عمق است (نصیری، ۱۸۷ و ۱۹۵)؛ لذا احکام فقهی در خصوص زنان نیز در نزد آن‌ها از امور منصوص و از احکام ثابت شریعت بوده که از نوعی قداست برخوردارند (کدیور، ۵۴). آن‌ها با تأکید بر حفظ احکام و آموزه‌های اسلامی به صورت ناب آن، عنایتی نسبت به امکان تحول در موضوعات و مصادیق احکام و تکامل و گسترش اجتهاد در فقه را ندارند؛ لذا خلوص گرایی پیروان این سنت فکری موجب گردیده که تصور گردد دین در مفهوم سنتی آن، توان حضور در عرصه‌های تحولات زندگی مدرن را نداشته و در رویارویی با تحولات جامعه، فاقد گفتمانی پویا و فعال است.

۵-۲-۱. تکلیف محوری در برابر حقوق محوری

شریعت و تکلیف یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های بنیادین اکثریت ادیان و حیانی به‌شمار می‌رود که سعادت آدمی در گرو تسلیم و تعبد در برابر انجام این تکالیف و فرامین الهی است. در این دیدگاه، حوزه تکالیف شرعی، عمده‌ترین حوزه در خصوص مسائل زنان را تشکیل می‌دهد (سبحانی، ۲۱). موضوع علم فقه نیز بر محوریت "فعل مکلف" استوار است، یعنی انسان در ابتدای امر، به عنوان موجودی "مکلف" مطرح می‌گردد، سپس احکام مرتبط با وی بیان می‌شود. در این بین نیز، پاره‌ای از حقوق ایشان معلوم می‌گردد؛ اما در اندیشه مدرن، انسان در وهله اول، به عنوان موجودی "محق" ضروری است از حقوق خویش آگاهی داشته باشد، در این میان نیز، تکالیف وی روشن می‌گردد؛ لذا از این زاویه، تاریخ بشریت به دو دوره سنتی و مدرن قابل تقسیم است و می‌توان به انسان گذشته، انسان "مکلف" و به انسان جدید، انسان "محق" لقب داد (سروش، ۴۳۱-۴۳۲). در حالی که در نظام حقوقی اسلام، تلازمی بین حق و تکلیف وجود دارد که با توجه به اشتراک‌ها و تفاوت‌های بین زن و مرد، این توازن بین حق و تکلیف منجر به تعدیل و تنظیم روابط بین زوجین و حقوقی مساوی بین آن دو، طبق آیه «لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَ بِالْمَعْرُوفِ» (البقره، ۲۲۸) می‌گردد. به طور مثال، تمکین، حق مرد و تکلیف زن است و نفقه، حق زن و تکلیف مرد است (نجفی، ۳۱/۳۰۴). از حقوق مشترک بین زن و مرد نیز می‌توان از

اصل اخلاقی «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (النساء، ۱۹) نام برد که به الزامی بودن رعایت اخلاق در حریم خانواده، اشاره می‌کند.

۱-۲-۶. جزء نگری و عدم بینش جامع‌نگر

مهمترین ویژگی این دیدگاه را می‌توان جزء‌نگری و فقدان یک دیدگاه جامع نسبت به مسائل زنان دانست. آن‌ها غالباً به ابعاد فردی و تکلیفی زنان توجه داشته و به ابعاد و جهات دیگر شخصیت زن نمی‌پردازند و از ارائه تفسیری که بتواند جایگاه زنان را از منظر معارف عقلی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی نشان دهد، غفلت می‌ورزند (سبحانی، ۲۱ و ۳۱). درحالی‌که در سایه نگرشی کلی و جامع می‌توان به نظرگاه اصیل اسلام نسبت به زن دست یازید. به طور مثال، خانه‌نشینی زن که پیروان این نوع قرائت از قرآن، به آن اهتمام می‌ورزند، در مجموعه سخنان و سیره عملی پیامبر (ص) و ائمه (ع) مشاهده نمی‌گردد. آن‌ها روایات مربوط به زن را نیز به صورت حلقه‌های منفرد و غیر متصل با هم مورد مطالعه قرار می‌دهند. به طور نمونه، در برخی روایات از مشورت با زنان نهی شده است (کلینی، ۵/۵۱۷؛ ابن‌بابویه، من لایحضره الفقیه، ۳/۴۶۸) که این احادیث ذهنیتی منفی را نسبت به زن، در ذهن مخاطب متبادر می‌کند. در حالی‌که در روایاتی دیگر تصریح شده است که با زنان نادان مشورت نشود و با زنانی مشورت شود که به درجه کمال عقلی رسیده باشند (کراچی، ۱/۳۷۶؛ مجلسی، ۳/۲۵۳) و یا قرآن از لزوم مشاورت میان زن و مرد سخن به میان آورده است (البقره، ۲۳۳). بنابراین، این عدم نگرش جامع به مدلول آیات و خانواده‌احادیث و فضای فرهنگی و اجتماعی زمان شکل‌گیری احادیث، به طرح گفتگویی وسیع علیه زنان مبدل گردید که امروزه نیز گاه باعث به حاشیه رفتن زنان در تصمیم‌سازی‌های مهم اجتماعی شده است.

۲.۲. قرائت زن‌گرایانه از قرآن

تفسیرهای زن‌مدارانه از قرآن را می‌توان محصول پس‌لرزه‌های مباحث مربوط به حوزه انسان‌گرایی مانند جایگاه زن در اجتماع و جنبش‌های فمینیستی که در جوامع غربی مطرح شده بود، دانست (پاکتچی، ۲۳۷) که با تأکید بر تساوی زن و مرد در خلقت، تساوی حقوقی زن و مرد را مطرح کرده‌اند و با به‌کارگیری روش‌های هرمنوتیکی در تفسیر قرآن (Wadud, 3)، بسیاری از آموزه‌ها و احکام قرآنی مرتبط با زنان، مانند تعدد زوجات، شهادت، ارث، حجاب و... را به نحو دیگری تبیین گردانیده و عدالت جنسیتی را به عنوان یک اصل بنیادین در قرآن معرفی کرده‌اند (ibid, 58). از این جریان عموماً به عنوان فمینیسم اسلامی نیز یاد می‌شود (پارسا، ۳۵). آن‌ها معتقدند در طول تاریخ به علت عدم حضور اجتماعی زنان، قلم و قدرت و تولید دانش اسلامی تفسیر به‌طور انحصاری در دستان مردان بوده که پیدایش قرائت مردگرایانه از قرآن را موجب گردیده است (Wadud, 2, Badran (b), 201). هر چند این جریان همگام با جریان نواندیشی دینی در جهان اسلام، پیشینه‌ای حدود ۱۵۰ سال دارد و افرادی

مانند قاسم امین تلاش کردند آیات را به جانبداری از زنان تفسیر کنند؛ اما به صورت منسجم و سامان یافته، سابقه‌ای بیش از دو دهه ندارد (پارسا، «قرائت زن گرایانه از قرآن»، ۵۱). در طی این مدت، نویسندگان این جریان فکری در ارائه رهیافت‌های انتقادی خود، بر ساحت‌های گوناگونی از معرفت اسلامی تمرکز کرده‌اند که از برجسته‌ترین این صاحبان اندیشه می‌توان از آمنه ودود (قرآن)؛ اسماء بارلاس (قرآن)؛ فاطمه مرینیسی (تاریخ، حدیث و تفسیر قرآن)؛ عزیزه الحبری (فقه اسلامی)؛ سعیدیه شیخ (عرفان و تصوف)؛ لیلا احمد (تاریخ)؛ کشیا علی (فقه و اخلاق جنسی)؛ نام برد. این افراد به طور ضمنی یا با صراحت اعلام داشته‌اند در پی حل مسئله هرمنوتیکی پذیرش جاودانگی قرآن، دنباله‌رو اندیشه‌های روش‌شناختی فضل‌الرحمن، اندیشمند مسلمان پاکستانی (۱۹۱۹-۱۹۸۸) می‌باشند (بدره، ۲۲۹).

۲-۱. مبانی انسان‌شناسی قرائت‌های زن‌گرایانه از قرآن

انسان‌شناسی دیدگاه‌های مدرن با انسان‌شناسی دیدگاه‌های سنتی هم در ساحت اندیشه و جهان‌بینی و هم در ساحت عمل، تفاوت‌های اساسی دارد. انسان در دیدگاه مدرن به صورت ساکن و منفعل نبوده، در پی تغییرات در عالم هستی است. درحالی‌که پیروان دیدگاه سنتی معتقدند هر چیزی چه در عرصه طبیعت، چه در عرصه اجتماع، جایگاهی طبیعی دارد که نباید آن‌ها را تغییر داد. نظام خانواده نیز متأثر از نظام طبیعت، دارای یک ساختار ثابت و طبیعی است و تقسیم کار و تمام حقوقی که به زنان و مردان تعلق می‌گیرد، باید از این ساختار طبیعی تبعیت کند (مجتهد شپستری، نقدی بر قرائت رسمی از دین، ۵۰۳).

برخی از مهم‌ترین مبانی انسان‌شناسانه این دیدگاه عبارتند از:

۲-۱-۱. وحدت بنیادین زن و مرد در عین تفاوت‌های صوری

پیروان این دیدگاه برخلاف دیدگاه قبلی، معتقد به تساوی زن و مرد در آفرینش بوده، با تأکید بر وحدت در ماهیت و اشتراک در انسانیت، آیه «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا...» (الزمر، ۶) را حاکی از خصوصیت وحدت بنیادین زن و مرد در عین ظهور تفاوت‌های صوری می‌دانند و معتقدند واژه "زوج" در لغت هم شامل مرد می‌شود و هم زن و در حقیقت، نفس واحدی وجود دارد که زوجیت در آن تجسم یافته و وحدانیت در عین کثرت در آن تجلی پیدا کرده است (Wadud, 22-23).

۲-۱-۲. تفکیک جنس و جنسیت

یکی از اصلی‌ترین مقومات انسان‌شناختی این دیدگاه، مفهوم جنسیت و جایگاه آن در این اندیشه است. مطابق این دیدگاه، مفهوم جنس به ویژگی‌های زیست‌شناختی زن و مرد و مفهوم جنسیت به تفاوت‌هایی از زن و مرد اشاره می‌کند که منبث شده از ذات و طبیعت زن و مرد نیست؛ بلکه برگرفته از روابط فرهنگی و اجتماعی و حاصل تربیت جامعه است (Badran (a), 288, Wadud, 22). پیروان این دیدگاه با تفکیک جنس و جنسیت بیان می‌کنند که تبعیض جنسیتی در قرائت مردگرایانه از

قرآن که فروتری زنان نسبت به مردان را امری طبیعی و تغییرناپذیر می‌پندارد، امری است فرهنگی نه طبیعی و آن محصول نظام مردسالار حاکم بر روابط اجتماعی جامعه است (Badran (b), 201, 202). آن‌ها معتقدند در صورت درک تفاوت بین این دو مفهوم، بسیاری از مسائلی که موجب فرودستی زنان شده است، قابل حل است و تشکیل "کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان" که تبعیض جنسیتی را امری مردود شده قلمداد می‌کند، از اهم دستاوردهای خویش به‌شمار می‌آورند (اسحاقی، ۷۱). مدعی‌ای پیروان این دیدگاه در راستای این مبانی انسان‌شناختی، تحقق عدالت جنسیتی است. آن‌ها با این تقسیم‌بندی، تأثیر تفاوت‌های تکوینی در نقش‌های جنسیتی را ناچیز شمرده و تفاوت‌های روان‌شناختی و کارکردی زن و مرد را به بهانه تبعیض جنسیتی، نادیده گرفته‌اند. در حالی که، علامه طباطبایی از منظر یک مفسر دین، در تبیین هویت تکوینی زن، با استناد به آیات تساوی زن و مرد در خلقت، ماهیت انسانی مشترک آن دو را زیربنای تساوی در نظام ارزشی و تمایزات تکوینی در جسم و روح آن‌ها را مبنای تفاوت در حقوق و تکالیف آن دو بیان می‌کند و این وجوه تمایز را عامل برتری مرد بر زن و یا به عکس ندانسته؛ بلکه آن‌را عادلانه و بر پایه حکمت الهی در جهت استحکام حیات اجتماعی قلمداد می‌کند (طباطبایی، ۲/۲۷۱).

۲-۱-۳. عدالت جنسیتی

یکی از مبانی زیرساختی قرائت‌های زن‌گرایانه از قرآن که پیروان این دیدگاه آن‌را از اصول بنیادین و مفاهیم اصیل قرآن عنوان می‌کنند، عدالت جنسیتی بین زن و مرد است (Wadud, 58) که این اصل را به علت رویکرد مردسالارانه آن، امری مخدوش شده، قلمداد می‌کنند (Badran (b), 203). آن‌ها معتقدند خداوند، فراجنسیتی است، احکام و آموزه‌های قرآن نیز به همین منوال است و آیات آن در موارد عدیده‌ای، بر تساوی زن و مرد تأکید کرده است و آفرینش زن را فروتر از مرد قرار نداده است (Barlas (b), 261, Hassan, 5). ایده‌آل این دیدگاه آن است که زنان در موازنه‌های اجتماعی و در مواردی مانند قضاوت، شهادت، ازدواج، طلاق، ارث، دیه و سرپرستی خانواده، هم‌گام با مردان و به صورت مساوی با آنان ظاهر گردند (اسحاقی، ۶۶)؛ لذا به دنبال احیای ظرفیت‌های درون فقهی در راستای اعاده حقوق زنان بوده تا عدالت جنسیتی به صورت همسانی نقش‌های زنانه و مردانه، آن‌گونه که مابین دو انسان از یک جنس برقرار است، ظهور یابد.

۲-۱-۴. تأثیر جنسیت در فرآیند حصول معرفت

پدیدآورندگان این نوع از گفتمان معتقدند برخی شرایط اجتماعی و سیاسی را می‌توان دخیل در امر معرفت‌شناسی دانست و جنسیت به عنوان یکی از مفاهیم اجتماعی، یک عامل بسیار اثرگذار در این زمینه است (مستقیمی، ۱۲۱) و بسیاری از دانش‌های بشری بخصوص دانش اسلامی تفسیر با دخالت پیش‌فرض‌های جنسیتی و جهت‌گیری‌های خاص با رویکردی مردانه نوشته شده‌اند و فضای مردانه‌ای که بر این علم حاکم بوده و با خمیرمایه زن‌ستیزی قوام گرفته است، تفاسیری مرد محور را

رقم زده است و زنان به عنوان کنشگر در قلمرو این دانش، ظهور نیافته‌اند (Barlas (b), 261). آن‌ها با اثبات این جهت‌گیری‌های نادرست، تحقق عدالت جنسیتی را منوط به بازخوانی مجدد سطور مختلف این دانش‌ها و معرفت‌ها با توجه به مسائل جنسیتی می‌دانند.

۲-۱-۵. تساوی حقوق زن با مرد

تساوی زن و مرد، در حقوق، ارزش‌ها و عدالت جنسیتی از دغدغه‌ها و آرمان‌های متعالی قرائت‌های زن‌گرایانه از قرآن است که همواره محل نزاع و محط بحث پیروان این نوع خوانش از قرآن با دانشمندان اسلامی بوده است (تساوی مورد نظر آن‌ها همان مفهوم تشابه رادارد و اطلاق واژه تساوی در این دو دیدگاه، اشتراک لفظی است). در اندیشه عالمان اسلامی، زن موجودی است که با وجود اشتراک در انسانیت با مرد، اما دوگونه انسان محسوب می‌شوند. آنان برای این تفاوت‌ها اصالت قائل بوده و ریشه آن‌ها را در متن آفرینش، جستجو می‌کنند و با توجه به اثرگذاری تفاوت‌های تکوینی بر تفاوت‌های تشریحی، برای زنان تکالیف و حقوقی متفاوت در نظر می‌گیرند و معتقدند نادیده‌انگاری نابرابری‌های حقایق خلقت زن و مرد و تأکید بر تشابه حقوق آن‌ها، آسیب‌های جدی به بنیان جامعه خواهد رساند (مطهری، ۱۲۴-۱۲۶). از سوی دیگر، تفاوت حقوقی زن و مرد زمینه‌ساز برخی فضیلت‌ها است که طبق آیه ۳۲ سوره نساء این فضیلت‌ها از جانب هریک از آن دو نسبت به دیگری وجود دارد که با توجه به توازن و تعادل حق و تکلیف با هم از یک طرف و تناسب حقوق و تکالیف با تکوین از طرف دیگر، کفه ترازو برای هریک از زن و مرد، بر پایه عدالت تنظیم شده است (طباطبایی، ۲۷۲/۲).

۲-۱-۶. استقلال زن در ورود به عرصه‌های کلان سیاسی و اجتماعی

پیروان این نوع خوانش از قرآن، زنان را همواره به فعالیت‌های ملموس سیاسی و اجتماعی ترغیب کرده، نقطه ایده‌آل آن‌ها این است که زنان بتوانند مرزهای جنسیتی را در نوریده و با شکستن انگاره زن/مرد، با توجه به هویت انسانی این دو جنس، در یک موازنه اجتماعی برابر، در تمامی فرصت‌هایی که مردان از آن بهره‌مند هستند، شراکت داشته باشند. آن‌ها خواهان تساوی نقش‌ها و برداشتن سلسله مراتب در خانواده که تداعی‌گر ارزش‌های جامعه سنتی است، می‌باشند و ضمن تأکید بر آزادی زنان، خروج زن از خانه به اذن همسر، سرپرستی مرد در خانواده و ... را امری مردود شده و تبعیض‌گونه قلمداد می‌کنند (حسین‌زاده و عباسیان، ۲۱۶-۲۱۸)؛ اما توجه به این نکته ضروری است که با توجه به اینکه شخصیت زن، همزمان دارای وجهه فردی، خانوادگی و اجتماعی است، بنابراین تفکیک مسائلی مانند اشتغال و مشارکت سیاسی از نقش‌های ویژه خانوادگی و تکالیف فردی در طولانی مدت، آسیب‌های جدی بر بنیان خانواده و اجتماع وارد خواهد ساخت و ممکن است به نام دفاع از حقوق زنان، حدود الهی مورد خدشه قرار گرفته و شاهد فرودستی‌های نوینی برای زنان باشیم.

۲-۲. شاخص‌های معرفتی قرائت زن‌گرایانه از قرآن

با توجه به مبانی مذکور، می‌توان شاخص‌هایی را برای این نوع خوانش از قرآن ملاحظه نمود که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۲-۲-۱. خوانش انتقادی تفاسیر سنتی

پیروان این دیدگاه، با اشاره به قرن‌ها قرائت جنسیت محور از قرآن و ذهنیت مردسالارانه حاکم بر آن، ادعا می‌کنند این تفکر ناصحیح در سنت‌های تفسیری، تقلیل جایگاه زنان را در طول تاریخ به همراه داشته است (Wadud, 95-96)؛ لذا با نادیده گرفتن سنت تفسیری و کنار گذاشتن منابع کلاسیک، به دنبال خوانش‌های برابری طلبانه از قرآن و فقهی مساوات‌جویانه از شریعت هستند، (Badran (b), 199). به طور نمونه، قومیت در آیه (النساء، ۳۴) را که مفسران سنتی بر برتری مردان بر زنان تفسیر کرده‌اند، خلاف مضمون آیه «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ...» (التوبه، ۷۱) ذکر می‌کنند (Barlas (b), 263, Hibri, 218) و یا قومیت را در معنای "هدایت اخلاقی" تفسیر می‌کنند (Hibri, 217). برخی نیز با این استدلال که این مردان هستند که در خدمت زنان هستند، این قومیت را برتری زنان بر مردان قلمداد می‌کنند (Roded, 536) و در حالی که مخالف جهت‌گیری مردسالارانه در سنت تفسیری هستند؛ اما با رویکردی افراطی و زن‌سالارانه همان چیزی را بیان می‌کنند که از آن نهی می‌کردند، در حالی که مطابق آیه «الحجرات، ۱۳» تقوا، تنها ملاک برتری آن‌ها بر یکدیگر محسوب می‌گردد. پیروان این دیدگاه، اسلام فقاهتی را نیز اسلامی مردسالارانه می‌خوانند (صراحتاً یا ضمنی) و معتقدند در رساله مراجع، احکام ارث، دیه، شهادت و خانواده، تبعیض‌آمیز بیان شده است (معصومی، ۵۲). زین‌الدین مدعی است برخی مفسران ریشه «قَرَنَ» در آیه «يَا نِسَاءَ التَّيَّبِيَّ... قَرَنَ فِي بُيُوتِكُنَّ...» (الاحزاب، ۳۲ و ۳۳) را «قَرَّ يَقْرُ: در خانه نشستن» دانسته و حکم آیه را که مختص زنان پیامبر (ص) است، به تمامی زنان سرایت داده‌اند (ابن‌کثیر، ۳۶۳/۶؛ قرطبی، ۱۷۹/۱۴)؛ اما وی ریشه این واژه را «قار یقار: آرام و بی‌صدا راه رفتن» دانسته و آن را مطابق قواعد عربی و آیه «النور، ۳۱» را نیز شاهدهی بر مدعای خویش می‌آورد (زین‌الدین، ۱۶۲) که البته آن را نمی‌توان معنای مناسبی برای این آیه در نظر گرفت. قابل ذکر است مفسران، وجوه دیگری برای واژه «قَرَنَ» بیان کرده‌اند که مفهوم خانه‌نشینی از آن استنباط نمی‌گردد (طبری، ۴/۲۲؛ طبرسی، مجمع البیان ۵۷۷/۸) و خروج زن را از خانه به طریقی که با تقوای وی منافات نداشته و جهت تبرج و خودنمایی نباشد، جایز می‌دانند (فضل‌الله، من‌وحی‌القرآن ۲۹۸/۱۸)، نه اینکه به هیچ وجه از خانه خارج نگرددند (قرشی، ۳۵۳/۸).

۲-۲-۲. تشکیک در اعتبار احادیث

این نوع خوانش از قرآن، اغلب سنت‌های حدیثی را به عنوان منابعی معتبر رد کرده و معتقد است که مفسران سنتی کلاسیک در تفسیر آیات مرتبط با زن در جهت توجیه تبعیض جنسیتی حاکم بر عقاید خویش، از روایاتی بهره برده‌اند که از اسرائیلیات بوده و یا ضعیف و جعلی می‌باشند و استفاده از این

احادیث، موجب شکل‌گیری تصویر و ذهنیتی منفی از زن در اذهان عمومی مسلمانان شده است (Roded, 530). آن‌ها در این خصوص نمونه‌های متعددی را بیان می‌کنند، مانند: حدیث «لن یفلح قوم و لو امرهم امرأة» (ابن حنبل، ۳۸/۵؛ بیهقی، ۱۱۸/۱۰؛ ابن‌شعبه حرانی، ۳۵) که حکمرانی زن را مانع سعادت‌مندی جامعه بیان می‌دارد. مریسی ضمن بررسی تاریخی این حدیث نتیجه می‌گیرد که راوی آن برای عدم شرکت در جنگ جمل، این حدیث را جعل کرده است (مریسی، ۱۱۰-۱۲۳). از دیگر احادیثی که پیروان این دیدگاه به آن‌ها اشاره می‌کنند، روایاتی است که مسئولیت هبوط آدم به زمین را نتیجه وسوسه حوا قلمداد کرده‌اند (Badran (b), 203) در حالی که قرآن در آیات «الاعراف، ۲۰، ۲۱، ۲۲» آنجا که پای وسوسه شیطان در میان است، تمام ضمیرها را به صورت «تثنیه» می‌آورد. بنابراین، می‌توان با رجوع به قرآن و تنقیح روایات صحیح از سقیم، با دستیابی به روایات معتبر، تصویری شایسته از زن در اسلام را ارائه نمود.

۲-۲-۳. به‌کارگیری هرمنوتیک در تفسیر قرآن

پیروان این نوع خوانش از قرآن، ایستایی معنای قرآن را در گذر زمان بر نمی‌تابند و با خرده‌گرفتن از مفسران سنتی که به علت نادیده گرفتن نظم درون‌مایه‌ای و انسجام معنایی قرآن، با ارائه تفسیری ترتیبی، رویکردی جزءنگرانه به آیات آن داشته‌اند (Rahman, 2) به دنبال روح حاکم بر احکام و درون‌مایه‌های اخلاقی قرآن هستند و به عنوان مبنای روش‌شناختی خود، رویکردی هرمنوتیکی را برگزیده‌اند (Wadud, 3) و معتقدند این رویکرد، با سیال دانستن معنای متن و سهیم دانستن خواننده در فرایند معناسازی، افق‌های بازتری را فراروی انسان قرار می‌دهد (شفیعی، ۸-۱۰). آن‌ها در این زمینه، رهیافت‌های مختلفی را پیش‌رو گرفته‌اند، برخی با رهیافتی هرمنوتیکی - تاریخی در جهت دستیابی به خوانشی کل‌گرایانه، کوشش کردند قرآن را در بافت تاریخی آن و با توجه به فرهنگ آن دوره فهم کنند (بدره، ۲۰۸). ودود معتقد است مواردی از قرآن که مختص عصر نزول است، باید به همان زمان محدود گردد؛ مگر آنکه بتوان از آن موارد، مبنایی عام‌تر برای فهم قرآن به دست داد (Wadud, 95). بارلاس نیز معتقد است بی‌توجهی به بستر تاریخی آیات حجاب و لباس مردم عرب سده اول هجری، سبب تعمیم جلاباب گردیده است، در حالی که هدف قرآن، رعایت وقار جنسیتی است (Barlas (b), 267-268). برخی نیز با رهیافتی زبان‌شناختی در پی کشف معانی اصیل واژگان قرآن مطابق عصر نزول می‌باشند (Roded, 539) و یا از رهگذر مطالعه و بررسی واژگان قرآنی دال بر مفاهیم "جنس" و "جنسیت" به اثبات اصل تساوی جنسیتی زن و مرد در قرآن و قرارداداشتن آن‌ها در یک مرتبه از هستی‌شناسی پرداخته‌اند (Wadud, 19-23, Badran (a), 288-292, Barlas (a), 134 - 135). پیروان این دیدگاه در چارچوب تفکر هرمنوتیکی خود، درصدد ارائه خوانشی نوین از قرآن کریم در راستای دستیابی به جایگاه واقعی زنان بدون توجه به برداشت‌های سنتی هستند. آن‌ها با توجه به ماهیت فراتاریخی قرآن، با استخراج اصول، مبانی و مقاصد کلی آن و به‌کارگیری آن‌ها در

ساختاری جدید متناسب با مقتضیات مدرنیته و با ساختار شکنی آیاتی که تداعی فرادستی مرد و فرودستی زن را می‌نماید، درصدد استخراج معانی جدید مبتنی بر برابری زن و مرد از این آیات هستند.

۲-۲-۴. توجه به ماهیت جنسیتی زبان عربی

مقوله جنسیت در زبان عربی به گونه‌ای است که تقریباً تمامی اجزای یک جمله در عربی (اسم، صفت، فعل و انواع ضمائر) از ساختار و روابط جنسیتی تذکیر و تأنیث بهره برده‌اند. ساختار زبانی قرآن کریم نیز بر پایه همین روابط جنسیتی اجزای کلام، بنیان شده است (Badran (a), 288). البته اگر به زبان قرآن با دیدی زبان‌شناختی نگریسته شود، جنسیت الفاظ آن و غلبه وجه مذکر در آن، فاقد بار ارزشی و جنسیتی است؛ بلکه امری قراردادی است که ناشی از محدودیت‌های زبان است (شاهسوندی، ۸۲-۸۴). ودود معتقد است بیان مفاهیمی فراتر از جنسیت در زبانی جنسیت‌دار، امری پیچیده است و قرآن با هدف هدایت عمومی بشر با هر دو جنس مذکر و مؤنث، تعاملی یکسان داشته و انسان را در قالبی فراجنسیتی مورد خطاب قرار داده است (Wadud, 6-7).

۲-۲-۵. نزوم اجتهاد در اصول، افزون بر اجتهاد در فروع

اعتقاد به تحول‌پذیری احکام شریعت بخصوص در حوزه احکام مرتبط با زنان، یکی از اصول دین‌شناختی قرائت‌های مدرن از قرآن است. در انگاره آن‌ها، تحول فقه، منوط به تحول در اصول و مبانی معرفت‌شناختی، جهان‌شناختی و انسان‌شناختی فقیهان است (مجتهد شبستری، هرمنوتیک، کتاب و سنت، ۸۸) و آن عده از فقیهان که فتوهای جدید می‌دهند، دیدگاه آن‌ها نسبت به خدا و انسان، به گونه‌ای متفاوت از دیگر فقیهان است. طاهر حداد معتقد است اسلام، احکام ثابتی را درباره زنان تشریح نکرده است؛ اما عموم فقیهان بر این احکام تأکید می‌کنند و این عدم آگاهی از تحولات زندگی، آن‌ها را از فهم روح شریعت و مقاصد دین بازداشته است (حداد، ۳۱). قاسم امین نیز بر این باور است که اجتهاد واقعی یعنی تمییز قائل شدن بین احکام ثابت اسلام با احکامی که عرضیات دین محسوب شده و مبتنی بر شرایط عصر نزول، تشریح شده‌اند و باید فقه زنان را در زمره عرضی دین قرار داد (امین، ۷۸). آن‌ها احکام اسلام در زمینه زنان را احکامی سیال، عرضی و اسطوره‌ای دانسته و معتقدند فقه موجود که بر جاودانگی احکام فقهی اصرار دارد، نمی‌تواند در عصر کنونی مبنایی در تدوین قوانین اجتماعی در زمینه مسائل زنان باشد؛ لذا درصدد ارائه فقهی برای زنان هستند که در آن مقتضیات زمان و مکان لحاظ شده باشد و معتقدند این دو عامل به عنوان پیش‌فرض‌های استدلال‌های فقهی، در پیش‌فرض‌های روش‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و کلامی فقه، به صورت بنیادی اثرگذار است و تأثیر خود را در فهم بسیاری از احکام فرعی نشان می‌دهد. آن‌ها بازنگری کلان و تحول در مبانی فلسفی و کلامی فقه را تنها راه برون‌رفت معضل حقوق زنان در اسلام معاصر قلمداد می‌کنند.

۲-۶. عدالت مساواتی به جای عدالت استحقاقی

در اندیشه مدرن و مطابق آن، قرائت‌های زن‌گرایانه از قرآن، تفاوت‌های بیولوژیک و روان‌شناختی زن و مرد، مبنای تفاوت‌های حقوقی و نقش‌های گوناگون اجتماعی آن دو قرار نگرفته است و از منظر آن‌ها عدالت مساواتی (محول شدن وظایف و تکالیف به طور مساوی بین زن و مرد) با روح قرآن و مقاصد عالی آن، هماهنگ‌تر است. آن‌ها معتقدند باید به متونی از قرآن که دلالت بر تساوی حقوق زن و مرد دارند، به عنوان اصول جاودانه نگرش اسلام به زن نگریست و متونی را که بیانگر تفاوت حقوقی بین زن و مرد است و آیات محدودی از قرآن را شامل می‌گردد، ناظر بر مقتضیات زمانی صدر اسلام و در زمره احکام موقت به‌شمار آورد (حاجی وثوق، ۲۷). آن‌ها این احکام را تنها یک گام مقدماتی در مسیر احیای حقوق زن قلمداد کرده و بقیه گام‌ها را تا رسیدن به تساوی کامل زن و مرد، بر عهده عقل و خرد جمعی واگذار می‌کنند؛ اما در نگاه سنتی، عدالت استحقاقی (محول شدن وظایف و تکالیف متناسب با استعداد و استحقاق زن و مرد)، جان‌مایه احکام شرعی در زمینه حقوق مرتبط با زنان است و این تفاوت حقوقی، عین عدالت محسوب می‌گردد (همو، ۱۹) و به علت وجود تفاوت‌های طبیعی زن و مرد، برابری مطلق حقوقی آن دو، امری ناعادلانه محسوب می‌گردد. مطابق این نگرش، دستگاه خلقت هدفمند بوده و در وجود انسان‌ها استعدادهایی به ودیعه گذاشته و استحقاق‌هایی بخشیده است و اینکه همه افراد در موضع مستحق قرار بگیرند، عین عدالت است (طباطبایی، ۳۳۱/۱۲؛ مطهری، ۱۲۸-۱۲۴). بنابراین، در بطن عدالت استحقاقی، نوعی تساوی وجود دارد، تساوی در رعایت حقوق انسانی بر مبنای مقتضیات طبیعت، ظرفیت و استحقاق زن و مرد.

نتایج

بررسی تفاسیر جنسیتی ارائه شده در حوزه آیات مربوط به زن نشان داد:

(الف) فهم مفسران این آیات، ارتباطی تنگاتنگ با مبانی انسان‌شناسانه آن‌ها دارد که با تنقیح، تعدیل و اصلاح این مبانی، مبتنی بر معنای مرکزی قرآن، اصول و مقاصد کلی شریعت و توجه به مفهوم و منطوق نصوص، می‌توان به فهم درستی از این آیات دست یازید. همچنین با بررسی روایات مرتبط با زنان در منابع اسلامی به لحاظ سند و محتوا، عدم تعارض با قرآن، سنت و سیره اهل بیت (ع) و مسلمات موثق‌الصدر و تبیین زمینه‌های شکل‌گیری، تحولات تاریخی و بسط این روایات، می‌توان تصویر شایسته‌ای از زن در اسلام را ارائه نمود.

(ب) تمایز اصلی خوانش‌های مردمحور و زنانه‌نگر از قرآن به درک متفاوت آن‌ها از مفهوم جنسیت برمی‌گردد. خوانش‌های مردمحور، برتری مردان بر زنان و تبعیض جنسیتی را امری طبیعی و موهبتی الهی جلوه داده، از تفاوت‌های تکوینی زن و مرد، تفاوت‌های ارزشی را نتیجه گرفته‌اند. در مقابل، خوانش‌های زنانه‌نگر به جنسیت به عنوان یک مفهوم اجتماعی منبعث شده از روابط فرهنگی و اجتماعی جامعه که در شرایط مختلف دچار دگرگونی می‌گردد نگریسته، خواهان عدالت جنسیتی یعنی

همسانی حقوق و نقش‌های اجتماعی زن و مرد بوده، تبعیض جنسیتی را محصول نظام مردسالار حاکم بر جامعه می‌دانند.

ج) توجه به درون‌مایه‌های اخلاقی و خوانش کل‌گرایانه قرآن، کاربرد هرمنوتیک در تفسیر آیات و توجه ویژه به ماهیت جنسیتی زبان قرآن در قرائت‌های زن‌گرایانه، اگر مبتنی بر معیارهای اصیل قرآنی و عاری از هرگونه رویکرد جانبدارانه‌ای باشد، در تحول احکام حقوقی زنان بسیار منطقی می‌نماید.

د) نادیده‌انگاری اثرگذاری تفاوت‌های تکوینی زن و مرد بر تفاوت‌های تشریحی و تأکید بر تشابه حقوق آن‌ها در برخی قرائت‌های زن‌گرایانه، قوام خانواده را از هم خواهد گسست. همان‌گونه که نادیده‌انگاری هویت مستقل انسانی برای زنان و تأکید بر فروتر بودن حقوق ایشان در قرائت‌های مردگرایانه، بستر گفتمان زن‌ستیزانه را در سطح جامعه فراهم آورده و آسیب‌های جدی بر بنیان خانواده خواهد رسانید. در این خصوص، اهتمام در امر تحول‌پذیری و پویایی دانش فقه در زمینه جابجاء زنان، به دور از تقلیدگرایی و تقدس‌گرایی، همگون با تحولات جامعه انسانی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه فولادوند.
- ألوسی، شهاب الدین سید محمود؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم؛ بیروت؛ دارالکتب العلمیه؛ ۱۴۱۵ق.
- ابن ابی‌الحدید، عزالدین هبة الله؛ شرح نهج البلاغه؛ بی‌جا؛ داراحیاء الکتب العربیه؛ ۱۳۷۸ق.
- ابن ابی‌حاتم، عبدالرحمن بن محمد؛ تفسیر القرآن العظیم؛ ریاض؛ نشر نزار مصطفی الباز؛ ۱۴۱۹ق.
- ابن ابی‌طاهر، احمد بن ابی‌طاهر؛ بلاغات النساء؛ قم؛ نشر الشریف الرضی؛ بی‌تا.
- ابن بابویه، محمد بن علی؛ من لایحضره الفقیه؛ قم؛ جامعه مدرسین؛ ۱۴۱۳ق.
- _____، الامالی؛ تهران؛ کتابچی؛ ۱۳۷۶ش.
- ابن حنبل، احمد بن محمد؛ مسند ابن حنبل؛ بیروت؛ دارالصادر؛ بی‌تا.
- ابن خزیمه، محمد بن اسحاق؛ صحیح ابن خزیمه؛ بیروت؛ المکتب الاسلامی؛ ۱۴۱۲ق.
- ابن سعد، محمد بن سعد؛ الطبقات الکبری؛ بیروت؛ دارالکتب العلمیه؛ ۱۴۱۰ق.
- ابن عاشور، محمد طاهر؛ التحریر و التنویر؛ بیروت؛ مؤسسه التاریخ العربی؛ ۱۴۲۰ق.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله؛ الاستیعاب فی معرفة الاصحاب؛ بیروت؛ دارالجلیل؛ ۱۴۱۲ق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر؛ تفسیر القرآن العظیم؛ بیروت؛ دارالکتب العلمیه؛ ۱۴۱۹ق.
- ابن هشام، عبدالملک بن هشام؛ سیره النبویه؛ بیروت؛ داراحیاء التراث العربی؛ بی‌تا.
- ابوالفتوح رازی، حسن بن علی؛ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن؛ مشهد؛ آستان قدس رضوی؛ ۱۴۰۸ق.
- اربلی، علی بن عیسی؛ کشف الغمه فی معرفة الاثمه (ع)؛ تبریز؛ بنی‌هاشمی؛ ۱۳۸۱ق.
- اسحاقی، سیدحسین؛ «تأملی بر پیکره و پیامدهای فمینیسم اسلامی»؛ رواق اندیشه؛ شماره ۴۴؛ مرداد ۱۳۸۴ش.
- امین، قاسم؛ الاعمال الکامله؛ مترجم: محمد عماره؛ بیروت؛ دارالشرق؛ ۱۹۸۹م.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان؛ البرهان فی تفسیر القرآن؛ قم؛ مؤسسه بعثه؛ ۱۳۷۶ش.
- بدره، محسن؛ گفت‌وگویی میان فمینیسم و اسلام؛ تهران؛ آریا؛ ۱۳۹۸ش.
- بروجردی طباطبایی، حسین؛ تبیان الصلاة؛ قم؛ گنج عرفان؛ ۱۴۲۶ق.
- بلاغی، محمد جواد؛ آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن؛ قم؛ وجدانی؛ ۱۴۲۰ق.
- بیهقی، احمد بن حسین؛ سنن الکبری؛ بیروت؛ دارالفکر؛ بی‌تا.
- پارسا، فروغ؛ «قرائت زن گرایانه از قرآن»؛ پژوهش‌نامه زنان؛ سال ششم؛ شماره ۴؛ زمستان ۱۳۹۴.

- _____ «درآمدی بر تمایز جایگاه مادر در آموزه‌های قرآنی و روایی با منزلت مادر در منابع فقه شیعی»؛ پژوهشنامه زنان؛ سال دهم؛ شماره ۳؛ پاییز ۱۳۹۸ ش.
- پاکتچی، احمد؛ تاریخ تفسیر؛ تهران؛ انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)؛ ۱۳۹۱ ش.
- تشکری، زهرا؛ زن در نگاه روشنفکران؛ قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان؛ ۱۳۸۱ ش.
- ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم؛ الكشف و البیان عن تفسیر القرآن؛ بیروت؛ داراحیاء التراث العربی؛ ۱۴۲۲ ق.
- جرجانی، ضیاء‌الدین؛ رسائل فارسی جرجانی؛ تهران؛ اهل قلم؛ ۱۳۷۵ ش.
- جعفریان، رسول؛ رسائل حجابیه؛ قم؛ دلیل ما؛ ۱۳۸۰ ش.
- جناتی، محمد ابراهیم؛ رساله توضیح المسائل؛ قم؛ انصاریان؛ ۱۳۸۲ ش.
- جوادی آملی، عبدالله؛ زن در آینه جلال و جمال؛ قم؛ اسراء؛ ۱۳۹۶ ش.
- حاجی وثوق، ندا؛ علی اصغر داودی؛ «چارچوب‌های معرفتی - روشی نواندیشی اسلامی در نگرش به حقوق سیاسی و اجتماعی زنان»؛ پژوهشنامه علوم سیاسی؛ سال سیزدهم؛ شماره ۴؛ ۱۳۹۷ ش.
- حائری طهرانی، علی؛ تفسیر مقتضیات الدرر؛ تهران؛ دارالکتب الاسلامیه؛ ۱۳۳۸ ق.
- حداد، طاهر؛ إمرأتنا فی الشریعة و المجتمع؛ تونس؛ الدار التونسیه؛ ۱۹۷۷ م.
- حزعاملی، محمدبن حسن؛ تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة؛ قم؛ مؤسسه آل‌البیت (ع)؛ ۱۴۰۹ ق.
- حسین‌زاده، ابوالحسن؛ حسین عباسیان؛ «نقد و بررسی مبانی فکری و شاخصه‌های فمینیسم اسلامی»؛ انسان‌پژوهی دینی؛ سال دوازدهم؛ شماره ۳۴؛ پاییز و زمستان ۱۳۹۴ ش.
- حسینی طهرانی، محمدحسین؛ رساله بدیعه؛ ترجمه: برخی از فضلاء؛ مشهد؛ انتشارات علامه طباطبائی؛ ۱۴۳۴ ق.
- حکیم‌پور، محمد؛ حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد؛ تهران؛ نغمه نواندیش؛ ۱۳۸۲ ش.
- ریعان، معصومه؛ «نقد روایات مشورت با زنان در تفاسیر روایی»؛ مطالعات قرآن و فرهنگ اسلامی؛ شماره ۱۲؛ زمستان ۱۳۹۸ ش.
- _____ «بسط متن و روش‌های ارائه مطلب در گفتمان شفاهی: تحلیلی زبان‌شناسی بر روایت "و بیوتهن خیر لهن"»؛ علوم حدیث؛ شماره ۹۲، تابستان ۱۳۹۸ ش.
- _____ رحمان ستایش، محمد کاظم؛ «تاریخ‌گذاری حدیث "لن یفلح قوم ولوا امرهم امرأة"»؛ علوم حدیث؛ شماره ۷۵؛ بهار ۱۳۹۴ ش.
- زحیلی، وهبه؛ التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج؛ بیروت؛ دارالفکر المعاصر؛ ۱۴۱۸ ق.
- زرکشی، محمدبن بهادر؛ البرهان فی علوم القرآن؛ قاهره؛ داراحیاء الکتب العربیه؛ ۱۳۷۶ ق.
- زمخشری، محمودبن عمر؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل؛ بیروت؛ دارالکتب العربی؛ ۱۴۰۷ ق.

- زین‌الدین، نظیره؛ السفور و الحجاب؛ سوریه؛ المدى؛ ۱۹۹۸م.
- سبحانی، محمد تقی؛ الگوی جامع شخصیت زن مسلمان؛ قم؛ هاجر؛ ۱۳۹۰ش.
- سروش، عبدالکریم؛ مدارا و مدیریت؛ تهران؛ صراط؛ ۱۳۷۶ش.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر؛ الدر المنثور فی التفسیر المأثور؛ قم، کتابخانه آیت ا... مرعشی نجفی؛ ۱۴۰۶ ق.
- شاهسوندی، شهره؛ «نقش جنسیت زبانی در ترجمه‌ها و تفاسیر قرآنی»؛ بینات؛ سال یازدهم؛ شماره ۲، تابستان ۱۳۸۳ش.
- شرابی، هشام؛ روشنفکران عرب و غرب؛ مترجم: عبدالرحمن عالم؛ تهران؛ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی؛ ۱۳۶۹ش.
- شرفی، عبدالمجید؛ اسلام و مدرنیته؛ مترجم: مهدی مهریزی؛ تهران؛ سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد؛ ۱۳۸۳ش.
- شریف‌رضی، محمدین حسین؛ نهج البلاغه؛ مترجم: منصور پهلوان؛ تهران؛ دارالکتب الاسلامیه؛ ۱۴۰۰ش.
- شفیعی‌سروستانی، ابراهیم؛ جریان‌شناسی دفاع از حقوق زنان در ایران؛ قم؛ کتاب طه؛ ۱۳۹۶ش.
- شفیعی، سعید؛ «رہیافت‌های تاریخی هرمنوتیکی به تفسیر قرآن»؛ احسن‌الحديث، شماره ۳؛ بهار و تابستان ۱۳۹۶ش.
- شمس‌الدین، محمدمهدی؛ حدود پوشش و نگاه در اسلام؛ مترجم: محسن عابدی؛ تهران؛ الهدی؛ ۱۳۷۶ش.
- شنقیطی، محمدامین؛ اضواء البیان؛ بیروت؛ دارالکتب العلمیه؛ ۱۴۲۱ق.
- صانعی، یوسف؛ حسین مهرپور؛ «تأملاتی درباره تمایز جنسی و احکام مجازات در اسلام»؛ متین؛ شماره ۲؛ ۱۳۷۸ش.
- ملاصدرا، محمدبن‌ابراهیم؛ الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة؛ بیروت؛ داراحیاء التراث العربی؛ ۱۹۸۱م.
- طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ بیروت؛ مؤسسه الاعلمی للمطبوعات؛ ۱۳۹۰ق.
- طبرانی، سلمان بن احمد؛ تفسیر القرآن العظیم؛ اردن؛ دارالکتب الثقافی؛ ۲۰۰۸م.
- طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران؛ ناصر خسرو؛ ۱۳۷۲ش.
- طبرسی، احمد بن علی؛ الإحتجاج علی أهل اللجاج؛ مشهد؛ نشر مرتضی؛ ۱۴۰۳ق.
- طبرسی، حسن بن فضل؛ مکارم الاخلاق؛ قم؛ الشریف الرضی؛ ۱۴۱۲ق.
- طبری، محمد بن جریر؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت؛ دارالمعرفة؛ ۱۴۰۲ق.
- طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت؛ داراحیاء التراث العربی؛ بی‌تا.

- _____، المبسوط فی فقه الامامیه؛ تهران؛ المكتبة المرتضویه؛ ۱۳۸۷ق.
- _____، الخلاف؛ قم؛ جامعه مدرسین؛ ۱۴۰۷ق.
- طیبی، ناهید و همکاران؛ «رابطه روایت "النساء عی و عورة" و وجوب حجاب شرعی»؛ پژوهش‌نامه علوم حدیث تطبیقی؛ سال هشتم؛ شماره ۱۴؛ شهریور ۱۴۰۰ش.
- غزالی، ابو حامد محمد؛ نصیحة الملوك؛ تهران؛ نشر هما؛ ۱۳۶۷ش.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله؛ كنز العرفان فی فقه القرآن؛ تهران؛ مرتضوی؛ ۱۳۷۳ش.
- فخر رازی، محمد بن عمر؛ التفسیر الكبير (مفاتیح الغیب)؛ بیروت؛ دار احیاء التراث العربی؛ ۱۴۲۰ق.
- فضل الله، محمد حسین؛ نقش و جایگاه زن در حقوق اسلامی؛ مترجم: عبدالهادی فقهی‌زاده؛ تهران؛ نشر دادگستر؛ ۱۳۷۸ش.
- _____، من وحی القرآن؛ بیروت؛ دار الملائک؛ ۱۴۱۹ق.
- _____، قراءة جديدة لفقہ المرأة الحقوقی؛ بیروت؛ دار الثقلین؛ ۱۴۱۷ق.
- فیض کاشانی، ملا محسن؛ تفسیر الصافی؛ تهران؛ الصدر؛ ۱۴۱۵ق.
- قرشی، علی اکبر؛ احسن الحدیث؛ تهران؛ بنیاد بعثت؛ ۱۳۷۵ش.
- قرطبی، محمد بن احمد؛ الجامع لاحکام القرآن؛ تهران؛ ۱۳۶۴ش.
- قریشی، فردین؛ بازسازی اندیشه دینی در ایران؛ تهران؛ قصیده سرا؛ بی‌تا.
- قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر القمی؛ قم؛ دارالکتاب؛ ۱۳۶۳ش.
- کاشانی، ملا فتح الله؛ تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین؛ تهران؛ کتابفروشی اسلامیة؛ ۱۳۳۶ش.
- کدیور، محسن؛ «نواندیشی دینی و حقوق زنان»؛ بازتاب اندیشه؛ شماره ۴۷؛ ۱۳۸۲ش.
- کراچکی، محمد بن علی؛ کنز الفوائد؛ قم؛ دار الذخائر؛ ۱۴۱۰ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تهران؛ دارالکتب الاسلامیه؛ تهران؛ ۱۴۰۷ق.
- کیا هراسی، علی بن محمد؛ احکام القرآن؛ بیروت؛ دارالکتب العلمیه؛ ۱۴۰۵ق.
- گنابادی، محمد بن حیدر؛ بیان السعادة فی مقامات العبادة؛ بیروت؛ مؤسسه الاعلمی للمطبوعات؛ ۱۴۰۸ق.
- محقق حلی، جعفر بن حسن؛ المعتبر فی شرح المختصر؛ قم؛ مؤسسه سیدالشهداء (ع)؛ ۱۴۰۷ق.
- مجتهد شبستری، محمد؛ هرمنوتیک، کتاب و سنت؛ تهران؛ طرح نو؛ ۱۳۹۳ش.
- _____، نقدی بر قرائت رسمی از دین؛ تهران؛ طرح نو؛ ۱۳۹۰ش.
- مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار؛ بیروت؛ دار احیاء التراث العربی؛ ۱۴۰۳ق.
- مرنیسی، فاطمه؛ زنان پرده‌نشین و نخبان جوشن‌پوش: برداشتی نوین از حقوق زن در اسلام؛ ترجمه: ملیحه مغازه‌ای؛ تهران؛ نشر نی؛ ۱۳۸۰ش.

مستقیم، مهدیه‌السادات؛ «نقد نابرابر انگاری افراطی جنسیتی در معرفت‌شناسی فمینیستی»؛ مطالعات راهبردی زنان؛ دوره دوازدهم؛ شماره ۴۶؛ زمستان ۱۳۸۸ ش.
مصطفوی، جواد؛ پرتوی از نهج البلاغه؛ مشهد؛ دانشگاه فردوسی؛ ۱۳۷۲.
مطهری، مرتضی؛ نظام حقوق زن در اسلام؛ تهران؛ صدرا؛ ۱۳۹۸ ش.
معصومی، سیدمسعود؛ فمینیسم در یک نگاه؛ قم؛ مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)؛ ۱۳۸۷ ش.

مغربی، قاضی نعمان بن محمد؛ دعائم الاسلام؛ قم؛ مؤسسه آل‌البيت (ع)؛ ۱۳۸۵ ش.
مفید، محمد بن محمد؛ الامالی؛ قم؛ دارالمفید؛ ۱۴۱۳ ق.
مقدس اردبیلی، احمد بن محمد؛ زبدة البیان فی احکام القرآن؛ تهران؛ مرتضوی؛ بی‌تا.
ملاصدرا، محمد بن ابراهیم؛ الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة؛ بیروت؛ دار احیاء التراث العربی؛ ۱۹۸۱ م.

ملکیان، مصطفی؛ «نواندیشی دینی و مسئله زنان»؛ بازتاب اندیشه؛ شماره ۴؛ ۱۳۷۹ ش.
موسوی دهرسخی اصفهانی، محمود؛ النساء فی اخبار الفریقین؛ تهران؛ لاهوت؛ اول؛ بی‌تا.
مولر آکین، سوزان؛ زن از دیدگاه فلسفه غرب؛ مترجم: نوری‌زاده؛ تهران؛ قصیده‌سرا؛ ۱۳۸۳ ش.
مهریزی، مهدی؛ نواندیشی دینی و مسئله زن؛ تهران؛ بشار؛ ۱۳۹۴ ش.
—، قرآن و مسئله زن؛ تهران؛ نشر علم؛ ۱۳۹۲ ش.
میبیدی، احمد بن محمود؛ کشف الاسرار و عده الابرار؛ تهران؛ امیرکبیر؛ ۱۳۷۱ ش.
نجفی جواهری، محمد حسن؛ جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام؛ بیروت؛ دار احیاء التراث العربی؛ ۱۹۸۱ م.

نصیری، مهدی؛ اسلام و تجدد؛ تهران؛ کتاب صبح؛ ۱۳۸۱ ش.

Al – Hibri, Aziza (1982), "A Study of Islamic History", In *Women and Islam: Women's Studies Int. Forum*, vol,5.

Badran (a), Margot (2002), "Gender", In: *Encyclopedia of the Qur'an*, Boston: Leiden.

Badran (b), Margot (2002), "Feminism and the Qur'an", In: *Encyclopedia of the Qur'an*, Boston: Leiden.

Barlas (a), Asma (2002), "Believing Women" in *Islam: Unreading patriarchal interpretations of the Qur'an*, University of Texas Press.

Barlas (b), Asma (2006), "Women's readings of the Qur'an", In: *the Cambridge Companion to the Qur'an*, Isted, u.s.a: Cambridge University Press.

Hassan, Riffat. (1999). "An Islamic perspective". In K. Lebacqz (ed). *Sexuality: A reader*, Cleveland: The Pilgrim Press.

Rahman, fazlur (1984), *Islam and Modernity: Transformation of an Intellectual Tradition*, chicago: University of chicago Press.

Roded, Ruth, (2006), “Women and the Qur`an”, In: *Encyclopedia of the Qur`an*, Boston, Leiden.

Wadud, Amina (1999), *Qur`an and woman: Reading the Sacred Text from a Woman`s Perspective*, New York: Oxford University Press.

